Islamic Maaref University

Scientific Journal
The History of Islamic Culture And Civilization

Vol. 15, Autumn 2024, No. 56

The ratio of theological and historical components in the biography of infallibles (Masooman); Case study: Nozhato Al Karam

Halima Safavi [1] \ Maryam Azizian [2] \ Leila Najafian Razavi [3]

1. Master student of History Department of Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. *halimehsafavi@gmail.com*
2. Assistant Professor of the History Department of Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Responsible author). *maryamazizian@um.ac.ir*
3. Assistant Professor of the History Department of Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. *najafian@um.ac.ir*

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2023.12.06
Accepted:
2024.06.01

Abstract

The main concern of the Shiites, especially the Imami Shiites, the religion of the innocents (PBUH) and the issue of Imamate, led to the emergence of Ahl al-Bayt books, which can be classified under the biographical branch of Islamic historiography. Considering that belief is one of the main principles of biography, it is important to study the ratio of the use of words and history in these works. In this research, an attempt was made to identify the theological and historical components and to measure the frequency of these indicators in the book Nozhato al-Karam and Bostan al-Awam written by Mohammad bin Hossein Razi Abi (lived in 630 A.H.). Therefore, the question of the present article is, which theological and historical components did Razi use in writing the biography of Chardeh Masoom (pbuh) in the book Nozhato al-Karam, and what is the ratio between the abundance of these components in the field of theology and history? The method used is descriptive with emphasis on quantitative content analysis. The result of the research shows The two components "reasoning based on the science of religion" and "miracle" as the most frequent theological components of the book, were most of all linked with the historical indicators of virtue and timely incident. "Virtue" is the dominant feature of the text. Razi intertwines this characteristic with theological components, especially miracles, to simultaneously cover the sacred and earthly dignity of Imam (a.s.) and place him beyond other competitors in the field of Imamate and Caliphate.

Keywords Mohammad bin Hossein Razi Abi, Nozhato Al-Karam, Kalam, History, Masoomin (a.s.).

Cite this article: Safavi, Halima, Maryam Azizian & Leila Najafian Razavi (2024). The ratio of theological and historical components in the biography of infallibles (Masooman); Case study: Nozhato Al Karam. *The History of Islamic Culture And Civilization*. 15 (3). 85-116. DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.83

DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.83

Publisher: Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية
جامعة المعارف الإسلامية
السنة ١٥ / الخريف عام ١٤٤٦ / العدد ٥٦

نسبه العوامل الكلامية و التاريخية فى شرح سيرة المعصومين عليهم السلام؛ دراسة حاله: نزهة الكرام

حليمه صفوي [١] / مريم عزيزيان [٢] / ليلا نجفيان رضوي [٣]

١. طالبه ماجستير فرع التاريخ بجامعه فردوسي في مشهد، مشهد، ايران.
halimehsafavi@gmail.com

٢. استاذه مساعدة فرع التاريخ بجامعه فردوسي في مشهد، مشهد، ايران (الكاتب المسؤول).
maryamazizan@um.ac.ir

٣. استاذه مساعدة فرع التاريخ بجامعه فردوسي في مشهد، مشهد، ايران.
najafian@um.ac.ir

معلومات المادة

نوع المقال: بحث

تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/٠٥/٢٢

تاريخ القبول: ١٤٤٥/١١/٢٣

ملخّص البحث

اهتمام الشيعه الرئيسي لاسيما الشيعه الامامية بالمعصومين عليهم السلام و مسأله الامامة، ادي الي ظهور كتب عن سيرة اهل البيت حيث يمكن تصنيفها ضمن فرع كتابه السيرة في كتابه التاريخ الاسلامي. مع الاخذ بعين الاعتبار هذه العقيدة فانها تعد احدي الثروات الاصلية في كتابة السيرة، فان دراسة نسبة الاستفادة من الكلام و التاريخ في هذه الاثار تحظي بالاهمية. في هذا البحث تم السعي لتعريف العناصر الكلاميه و التاريخيه و قياس كثرة هذه العناصر في كتاب نزهة الكرام و بستان العوام لمحمد بن حسين الرازي الآبي (حي في ٦٣٠ق). علي هذا الاساس سؤال هذا المقال الحالي هو ما هي العناصر الكلامية و التاريخيه في كتابه سيرة المعصومين الاربعة عشر عليهم السلام في كتابه نزهة الكرام و ما هي نسبة الكثرة لهذه العناصر في مضمار الكلام و التاريخ؟ الاسلوب المتبع وصفي مع التاكيد علي التحليل الكمي للمحتوي. نتيجه البحث تشير ان عنصري «الاحتجاج علي اساس علم الدين» و «المعجزة» يعدان اكثر العناصر الكلاميه للكتاب استعمالا، اكثر العناصر تتحد مع ميزات الفضيله التاريخيه و الحديث الزمني. «الفضيله» هو العنصر الغالب في المتن او النص. دمج الرازي هذه الميزه بشكل اكثر مع العناصر الكلاميه لاسيما المعجزه كي تغطي بالتزامن مع المكانه القدسية و الارضية للامام عليه السلام و وضعها اسمي من سائر المنافسين في مجال الامامه و الخلافة.

الألفاظ المفتاحية محمد بن حسين الرازي الآبي، نزهة الكرام، الكلام، التاريخ، المعصومين عليهم السلام.

الاقتباس: صفوي، حليمه، مريم عزيزيان و ليلا نجفيان رضوي (١٤٤٦). نسبه العوامل الكلامية و التاريخية في شرح سيرة المعصومين عليهم السلام؛ دراسة حاله: نزهة الكرام. *مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الأسلامية*. ١٥ (٣)، ١١٦ ـ ٨٥.
DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.83

رمز DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.83

الناشر: جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
دانشگاه معارف اسلامی
سال ۱۵، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۵۶

نسبت مؤلفه‌های کلامی و تاریخی در شرح حال معصومان علیهم‌السلام؛ مطالعه موردی: نزهه الکرام

حلیمه صفوی [۱] / مریم عزیزیان [۲] / لیلا نجفیان رضوی [۳]

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
halimehsafavi@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).
maryamazizan@um.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
najafian@um.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۸۵ ـ ۱۱۶)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۱۲

چکیده

عنایت اصلی شیعیان به‌ویژه شیعیان امامی‌مذهب به معصومین علیهم‌السلام و مسئله امامت، سبب پدید آمدن کتاب‌های اهلِ‌بیت‌نگاری شد که ذیل شاخه سیره‌نگاری در تاریخ‌نگاری اسلامی قابل دسته‌بندی است. باتوجه‌به اینکه عقیده، یکی از بن‌مایه‌های اصلی سیره‌نگاری محسوب می‌شده، مطالعه نسبت استفاده از کلام و تاریخ در این آثار حائز اهمیت است. در این پژوهش کوشش شد مؤلفه‌های کلامی و تاریخی و سنجش فراوانیِ این شاخصه‌ها در کتاب نزهه الکرام و بستان العوام نوشته محمد بن حسین رازی آبی (زنده در ۶۳۰ ق) شناسایی شود. براین‌اساس، پرسش مقاله حاضر آن است که رازی کدام مؤلفه‌های کلامی و تاریخی را در نگارش شرح‌حال چهارده‌معصوم علیهم‌السلام در کتاب نزهه الکرام به کار بست و چه نسبتی میان فراوانی این مؤلفه‌ها در حوزه کلام و تاریخ وجود دارد؟ روش مورد استفاده، توصیفی با تأکید بر تحلیل محتوای کمی است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد دو مؤلفه «احتجاج بر پایه علم دین» و «معجزه» به‌عنوان پربسامدترین مؤلفه‌های کلامیِ کتاب، بیش از همه با شاخصه‌های تاریخیِ فضیلت و حادثه زمان‌مند پیوند داده شدند. «فضیلت» شاخصه غالب متن است. رازی این شاخصه را بیشتر با مؤلفه‌های کلامی به‌ویژه معجزه درهم تنیده تا هم‌زمان شأن قدسی و زمینی امام علیه‌السلام را پوشش داده و آن را فراتر از سایر رقبا درزمینه امامت و خلافت قرار دهد.

واژگان کلیدی: محمد بن حسین رازی آبی، نزهه الکرام، کلام، تاریخ، معصومین علیهم‌السلام.

استناد: صفوی، حلیمه، مریم عزیزیان و لیلا نجفیان رضوی (۱۴۰۳). نسبت مؤلفه‌های کلامی و تاریخی در شرح حال معصومان علیهم‌السلام؛ مطالعه موردی: نزهه الکرام. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. ۱۵ (۳). ۱۱۶ ـ ۸۵.
DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.83

کد DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.83

ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

در دوره معاصر، شناخت نسبت امر قدسی و تاریخی به یکی از مباحث مهم حوزه مطالعات علوم انسانی و شناختی، ازجمله علم الهیات و کلام و تاریخ تبدیل شده است. در این برهه زمانی، نحوه رابطه و تمایز علوم، به‌ویژه کلام و تاریخ، بیشتر مورد توجه محققان و فیلسوفان جدید واقع شده است.[۱] در مطالعات معاصر از مسائل کلی رابطه کلام و تاریخ، همچون تعریف و تفکیک مرزهای این دو علم، نسبت تباین، تکمیلی و یا تنقیصی و نیز مشکله تعارض گزاره‌های کلامی و تاریخی سخن گفته شده است.[۲] یکی از بحث‌های چالش‌برانگیز در این زمینه، دیدگاهی است که بر ضرورت تفکیک کلام از حوزه پژوهش تاریخی تأکید می کند. سبحانی با این عقیده مخالف است و ورود فرضیه کلامی در مفروضات یک تحقیق تاریخی را مجاز می‌شمارد.[۳] سلیمانی امیری با رویکرد معرفت‌شناختی، استدلال‌های این دیدگاه را در زمینه‌های ضرورت عینیت در تاریخ، سکولاربودن و مشکله تحریف تاریخ مورد تبیین و نقد قرار داده است. ازاین‌رو، نفوذ باورهای فردی و در نتیجه کلام در تاریخ را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند.[۴]

در مبحث روش و نحوه مواجهه با مشکله تعارض گزاره های تاریخی و کلامی، گرامی و قندهاری بر این باورند که این امر ناشی از یک استنتاج ذهنیِ ناخودآگاه و تنها یک تعارض ظاهری است و باید به مبحث تناقض تاریخ با تاریخ مراجعه شود.[۵] بعضی از محققان مانند حضرتی، در شرح زندگانی ائمه علیهم‌السلام بر زمین، گزاره تاریخی را مقدم می‌دارند.[۶] درحالی‌که برخی دیگر همچون سبحانی بر این باورند که در بسیاری از شواهد تاریخی علاوه‌بر تناقض، قطعیت وجود ندارد، بنابراین، صرف اتکا به این گزاره‌ها، سبب می‌شود ما در شناخت جامع از ائمه علیهم‌السلام ناکام بمانیم.[۷] سلیمانی امیری هم معتقد است که روش‌های

---

۱. ربانی گلپایگانی، «رابطه کلام با علوم دیگر»، ***کیهان اندیشه***، ش ۴۹، ص ۱۰۸؛ برای نمونه ن.ک: سبحانی و کافی، «گفتگو در بیست‌وهشتمین نشست سیره‌پژوهی؛ مناظره علم تاریخ و کلام»؛ محتوای گفتگو و سخنرانی قابل دسترسی در سایت معصومیه، گرامی و قندهاری، «واکاوی رابطه کلام و تاریخ فکر»، ***مطالعات تاریخ اسلام***، سال پنجم، ش، ۱۶۸ ـ ۱۳۹؛ حضرتی و دیگران، ***مورخان و امر قدسی***، ص ۴۶ ـ ۲۷؛ سلیمانی امیری، «نقد نظریه عدم جواز تأثیر باورهای کلامی بر تاریخ پژوهی»، ***تاریخ اسلام در آیینه پژوهش***. سال شانزدهم، ش.دوم، پیاپی ۴۷. ص ۸۲ ـ ۶۱؛ همو، «منطق تأثیرگذاری باورهای کلامی بر تاریخ‌پژوهی»، ***معرفت کلامی***. سال یازدهم. ش ۲۵. ص ۱۷۶ ـ ۱۵۷.

۲. همان منابع، همان‌جاها.

۳. سبحانی و کافی، «گفتگو در ... مناظره علم تاریخ و کلام» محتوای گفتگو و سخنرانی قابل دسترسی در سایت معصومیه.

۴. سلیمانی امیری، «نقد نظریه عدم جواز تأثیر باورهای کلامی بر تاریخ‌پژوهی»، ***تاریخ اسلام در آیینه پژوهش***، سال شانزدهم، ش دوم، پیاپی ۴۷، ص ۸۲ ـ ۶۱.

۵. گرامی و قندهاری، «واکاوی رابطه کلام و تاریخ فکر»، ***مطالعات تاریخ اسلام***، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۱۶۹ ـ ۱۶۶.

۶. حضرتی و دیگران، ***مورخان و امر قدسی***، ص ۴۶ ـ ۲۷.

۷. سبحانی و کافی، «گفت‌وگو در ... مناظره علم تاریخ و کلام»، محتوای گفتگو و سخنرانی قابل دسترسی در سایت معصومیه.

معمول در تاریخ برای فهم همه ابعاد انسانی معصومین علیهم‌السلام کافی نیست و برای تحلیل و تبیین علل وقایع تاریخی، باید به تأثیر علل غیبی توجه داشت که ناگزیر در حوزه علم کلام می‌گنجد. در نگاه این نویسنده، در صورت تعارض میان گزاره‌ها لازم است براساس معیار عقلیِ ترجیح معرفت‌شناسانه گزاره کلامی بر تاریخی عمل کرد که این تقدم در سه صورت باید مد نظر پژوهشگر قرار گیرد.[۱]

مبحث دیگری که می‌توان در رابطه دانش کلام و تاریخ مطرح کرد این است که علمای قرون متقدم اسلامی به این رابطه چگونه می‌نگریستند. هرچند، برخی از علمای گذشته همچون سید مرتضی به رابطه علم کلام و اصول فقه توجه کردند، اما این دیدگاه‌ها محدود به علوم مهمی چون فقه بود.[۲] اگرچه در گذشته طبقه علما گاهی به تاریخ التفات داشته و یا در مقیاس وسیعی به آن استناد می‌کردند، اما این دانش هرگز در سطح علوم فقه و حدیث و فلسفه نبود که در مورد نسبت و رابطه آن با دیگر شاخه‌های علم به‌ویژه کلام تأمل و گفت‌وگو کنند. به نظر می‌رسد در دنیای پیشامدرن، به سبب عدم تفکیک روش‌های تحقیق در علوم و مهم‌تر از آن، سیطره دین بر نگرش مؤلفان مسلمان، مسئله ضرورت تفکیک عقیده از ساحت روایت تاریخ و تراجم برای آن‌ها دغدغه مهمی نبوده است؛ چراکه به نظر می‌رسد در اکثر موارد، مورخان / متکلمان مسلمان به این امر واقف بوده‌اند که درحال استفاده از یک روایت / خبر کلامی، حدیثی و یا تاریخی هستند؛ ولی آن‌ها بهره‌گیری هم‌زمان از این روایت‌ها را مجاز می‌شمردند و کوشش برای فاصله‌گیری از گرایش‌های مذهبی به هنگام روایت تاریخ را امری ضروری نمی‌پنداشتند.

با وجود ضرورت و ارزشمندی پژوهش‌های معاصر، تاکنون صاحب‌نظران این عرصه، یک مطالعه موردی در مورد نحوه رابطه این دو علم در بررسی یک شخصیت تاریخی انجام نداده‌اند که ایده‌های کلی خود را در آن اعمال و اثبات کنند و در آن، به مسائل عینی‌تر، جزئی‌تر و ابعاد و میزان ارتباط کلام و تاریخ بپردازند. خلأ دیگر آن است که چگونگی درهم‌تنیدگی این دو دانش در متون متقدم هم مورد بررسی دقیق قرار نگرفته و از زوایای متنوع مطالعه نشده است. یکی از مهم‌ترین گونه‌های دانش تاریخ که در آن کلام و تاریخ به شدّت درهم‌تنیده می‌شود، سیره‌نگاری / شرح حال‌نگاری است.[۳]

از زاویه دیگر، این نکته را نیز باید در نظر داشت که در طول زمان، تغییراتی در روش متکلمان پدید آمده است؛ به‌عنوان نمونه در حوزه روش کلام امامیه در اثبات عقیده امامت، گاهی استفاده حداکثری از

---

۱. سلیمانی امیری، «منطق تأثیرگذاری باورهای کلامی بر تاریخ‌پژوهی»، ***معرفت کلامی***، سال یازدهم. ش ۲۵، ص ۱۷۶ ـ ۱۵۷.

۲. نقیبی، «نسبت رابطه علم کلام با دانش اصول فقه»، ». ***اندیشه دینی***، ش.پیاپی ۲۹، ص ۸۲ ـ ۸۱.

۳. سبحانی، «نشست هفدهم؛ رابطه علم کلام و علم تاریخ (تأثیر کلام بر سیره‌پژوهی)»؛ متن سخنرانی قابل دسترسی در سایت صفری، جالب آنکه باوجود اهمیت بیشتر سیره‌نگاری و تراجم‌نگاری در نزد مورخان دورهٔ متقدم و میانه، غالب پژوهش‌های تاریخ‌نگارانه معاصر پیرامون تواریخ عمومی و زمان‌نگاری انجام شده است. (رابینسون، ***تاریخ‌نگاری اسلامی***، ص ۱۴۰ ـ ۱۳۹)

روش‌های نقلی رواج داشته و در دوره‌های تاریخی دیگر، روش‌های فلسفی و عقلی مورد عنایت اصلی متکلمان بوده است؛ برای مثال با وجودی که علمای برجسته‌ای چون شیخ مفید و سید مرتضی معتقد به اثبات عقلیِ امامت بودند، اما در کتب ایشان همچون ***الإرشاد*** و ***الشافی***، گزاره‌های تاریخی فراوانی در اثبات امامت قابل مشاهده است. پس، بهره‌گیری همزمان از روش‌های عقلی و نقلی، به‌ویژه تاریخی، در اثبات معصومین علیهم‌السلام در بین علمای شیعی امری متداول بوده است. بنابراین، یکی از حوزه‌های پژوهش می‌تواند نسبت‌سنجی گزاره‌های نقلی، به‌ویژه نحوه در هم‌تنیدگی روایات تاریخی و کلامی در سیره‌های برجای مانده از علمای شیعی باشد. این امر به شناخت هرچه‌بیشتر از نحوه تفکر و روش مورخان و متکلمان شیعی در قرون متقدم منجر می‌شود.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، بررسی میزان استفاده مورخان / متکلمان قرون مختلف از داده های تاریخی به‌عنوان بخشی از روش نقلی، اهمیت دیگر این نوع مطالعات را در متون سیره نشان می دهد. با توجه به این اهمیت و خلأ یادشده و نیز ازآنجاکه تاریخ‌نویسی شیعی، به‌ویژه گونه سیره‌نگاری در سده ششم تا پیش‌از حمله مغول، چندان مورد توجه محققان واقع نشده، در این پژوهش، قصد بر آن است که نسبت مؤلفه‌های کلامی و تاریخی در متن سیره‌نگاری ***نزهه الکرام***، نوشته محمد بن حسین رازی، مورد تحقیق قرار گیرد تا این امر شناسایی شود که این متکلم سیره نگار در روایت زندگی سوژه های خود، به لحاظ کمی و در موارد جزئی تا چه میزان و با چه نسبتی از داده‌های کلامی و تاریخی بهره گرفته است.

به نظر می‌رسد رازی یکی از عالمان مقبول زمانه خود بوده است، چراکه کتاب ***تبصره العوام*** خود را به درخواست سادات و عده‌ای از شیعیان نگاشته است.[1] این کتاب، اثری کلامی با هدف شناساندن اصول و عقاید فرق، به ویژه شیعه امامیه بود. ازآنجاکه هدف تألیف کتاب برای برخی از مخاطبان حاصل نشد، رازی بنا بر درخواست آنان، اثر دیگری تألیف کرد که ***نزهه الکرام*** نام گرفت. این اثر فارسی، دیگر فرقه‌نگاری نبود؛ چراکه رازی برای نیل به مقصود خود از قالب شرح‌حال‌نگاری بهره برد که آمیخته با انواع حکایات و اخبار بود.[2] ازاین‌رو کتاب اخیر به عبارت دقیق‌تر سیره‌نگاری / زیست‌نگاری به حساب می‌آید. بنابراین این اثر از یک‌سو، هدف مؤلف مبنی بر تبیین مبانی اعتقادی و کلامی شیعه را در موضوع امامت پوشش داده و متنی کلامی است، از سویی دیگر، براساس تقسیم‌بندی زمانه زندگی معصومان علیهم‌السلام (نوعی از زیست‌نگاری و سیره‌نگاری) چینش شده و اثری تاریخی است. پس در مجموع می‌توان آن را متنی کلامی ـ تاریخی به حساب آورد.

---

۱. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۹۷.
۲. همان، ص ۲ ـ ۱.

پس، تأکید نویسنده به هدف کلامی خود و استفاده از قالب اخبار تاریخی نشان می دهد او در این اثر، نسبت تاریخ و کلام را در سیره‌نگاری ائمه علیهم‌السلام از بُعد اشتراک و تعاون دو دانش نگریسته است و میان این دو ساحت علم، نسبت تکمیلی و نه تنقیصی برقرار کرده است. چنانچه به انواع ارتباط میان کلام و تاریخ در این سیره توجه شود، می‌توان دریافت که این دو ساحت دانش در یک موضوع مشترک، یعنی امام شیعی، پیوند خورده‌اند. همچنین، غرض مشترکی که در داده‌های کلامی و تاریخی این سیره دنبال می شود، شناساندن ابعاد زمینی و معنوی امام شیعی به مخاطبان است. روش اصلی استفاده شده در این متن، روش نقلی است که بر نقل روایات و داده‌های کلامی و تاریخی متکی است. چنانچه انتظار می‌رود داده‌های کلامی و تاریخی در یک متنِ شرح‌حال‌نگاری ائمه علیهم‌السلام بسیار فراوان است. ازاین‌رو، به منظور شناسایی ابعاد و میزان ارتباط این دو دانش، لازم است چندین مؤلفه تاریخی و کلامی را در نظر گرفت. شناسایی این مؤلفه‌ها و نسبت و میزان ارتباط آن‌ها در کتاب ***نزهه الکرام***، ابهام مقاله حاضر است. براین‌اساس، پرسش پژوهش آن است که رازی کدام مؤلفه‌های کلامی و تاریخی را در نگارش شرح‌حال چهارده معصوم علیهم‌السلام در کتاب ***نزهه الکرام*** به کاربست و چه نسبتی میان فراوانی این مؤلفه‌ها در حوزه کلام و تاریخ وجود دارد؟

روش این پژوهش توصیفی و مبتنی بر استفاده از روش تحلیل محتوای کمّی، در فراوان‌سنجی مؤلفه های تاریخی و کلامی است. مراد از نسبت، مقایسه توصیفیِ فراوانیِ این مؤلفه هاست. در روش تحلیل محتوا، گزینه ای به نام «قواعد شمارش» وجود دارد که عبارتند از: بسامد یا فراوانی، بسامد سنجیده، حضور (یا غیبت)، شدّت (خاصیت کمّی هر شاخصه)، نظم و همبستگی (ارتباط با سایر شاخص‌ها).[1] درحالی‌که بسامد، منطبق بر این اصل است که اهمیت واحد ضبط‌شده (خواه کلمه / عبارت یا مضمون باشد) با تکرار آن بیشتر می‌شود؛ یعنی ظهور کمّی عناصر معنی‌دار هستند.[2] اما میزان بسامدِ معیارها و واحدهای ضبط (شاخص‌ها) همیشه دارای ارزش یکسان نیستند. گاه پژوهشگر می‌تواند عناصر و شاخص‌هایی را «بر مبنای تصمیم قبلی» در نظر بگیرد (بسامد سنجیده) و حضور (یا غیبت) آن‌ها را در متن شمارش کند؛ چراکه غیبت یا کم‌رنگ‌شدن برخی عناصر در تحلیل محتوا، معنی‌دار خواهد بود.[3] براساس این روش، در این پژوهش هم شاخصه‌هایی (مؤلفه‌ها) برای کلام و تاریخ در نظر گرفته شد (ن. ک؛ قسمت ۱ ـ ۱ مقاله) و بسامد آن‌ها در متن شمارش می‌شوند. این امر کمک می‌کند دریابیم رازی از میان

---

۱. باردن، ***تحلیل محتوا***، ص ۱۳۰ ـ ۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۲۵ ـ ۱۲۴؛ ریوی و کامپنهود، ***روش تحقیق در علوم اجتماعی***، ص ۲۲۴ ـ ۲۲۳.

۳. باردن، ***همان***، ص ۱۲۶ ـ ۱۲۴.

امکانات مختلفی که برای انتخاب شاخصه‌های کلامی و تاریخی داشت، از کدام موارد بیشتر و یا کمتر استفاده کرد.

مطالعه و تحقیق درباره این نویسنده ایرانیِ شیعی و آثارش، پیشینه زیادی نداشته است. بررسی هایی که تاکنون در رابطه با زندگی رازی انجام گرفته است، عبارت‌اند از: مقاله «کتابی از مؤلف تبصره العوام» (افشار، ۱۳۳۸)، مدخل «تبصره العوام» نوشته علی بهرامیان در ***دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*** (۱۳۸۵)، مدخل «تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام» نوشته سید محمد عمادی حائری ***دانشنامه زبان و ادب فارسی*** (۱۳۸۶)، مقاله رسول جعفریان با عنوان «کنکاشی در جریان تفکر شیعی در ایران نیمه اول قرن هفتم» (آثار و افکار محمد بن حسین بن حسن رازی آبی)» (۱۳۹۴) و کتاب ***حیات علمی و فرهنگی شیعیان امامیه (از قرن پنجم تا نیمه قرن هفتم)*** به قلم یعقوبی (۱۳۹۴). به‌رغم نکات مثبت و خوبی که هریک از این پژوهش ها دارند، اما جایگاه تاریخ و کلام و نیز رابطه این دو حوزه دانش در این اثر شیعی از نظر پژوهشگران فوق دور مانده و به آن توجهی نشده است. ازاین رو، بازیابی و شناسایی نسبت کلام و تاریخ در متن کتاب ***نزهه*** بر مبنای روش توصیفی ـ آماری رویکردی جدید و درخور توجه است. در ادامه لازم است پیش‌از ورود به بحث، تعریف این نوشتار از مؤلفه‌های کلامی و تاریخی مشخص شود.

نحوهٔ انتخاب شاخصه / مؤلفه‌ها

این متن سرشار از داده های تاریخی (۱۷۸۴ داده) و کلامی (۱۰۹۸شواهد) است. شمارش و مقایسه این داده‌های فراوان امری بسیار دشوار است (ن. ک: نمودار شماره ۱). ازاین‌رو، براساس روش تحلیل محتوا، دسته‌بندی داده‌ها و تعیین چندین شاخصه یا مؤلفه ضروری است تا امکان فراوان‌سنجی داده‌های تاریخ و کلام فراهم شود.

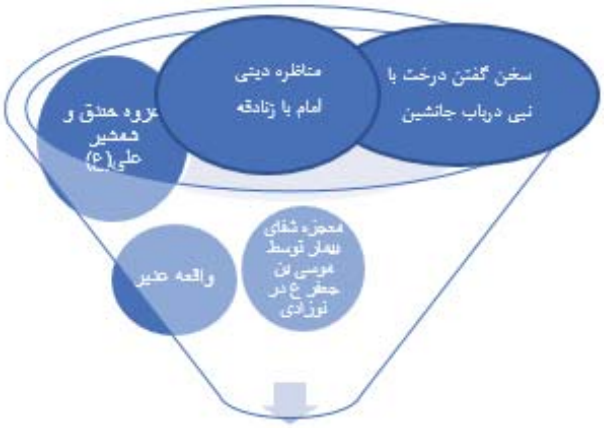

تصویر شماره۱: نمونه ای از داده های فراوان تاریخی و کلامی برای اثبات هدف در کتاب نزهه الکرام

لازم به ذکر است که این پژوهش قصد ندارد نگرش کلان رازی به کلام (در همه موضوعات کلان آن، مانند توحید و عدل) و تاریخ در معنای عام (حوزه فلسفه نظری تاریخ یا تاریخ‌نگاری) را بشناسد. ازآنجاکه موضوع کتاب، موضوعی جزئی، یعنی زیست‌نگاری پیشوایان دینی امامیه است، مراد از مؤلفه / شاخصه، موضوعات یا مفاهیم بسیار مهم و شاخصی است که در علم کلام (ذیل مبحث امامت) و تاریخ (ذیل شاخه سیره‌نگاری / زیست‌نگاری) مطرح هستند و رازی از آن‌ها در متن ***نزهه الکرام***، برای شرح زندگی معصوم علیه‌السلام استفاده کرده است.

منابع و پژوهش‌های کلامی متکلمان در باب امامت و نیز، منابع و پژوهش‌های تاریخ‌نگاری، موضوعات مهمِ علم کلام و تاریخ را در اختیار محقق قرار می‌دهد؛ ازجمله موضوعات مطرح در منابع تاریخ‌نگاری، حادثه زمانمند، مقتل، ردیه، نسب، حوادث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، جغرافیای اماکن، اخترگویی، فضایل، مثالب، قصص ایام و أنواء، اصحاب و فرق و شأن نزول تاریخی آیات قرآن هستند. موضوعاتی همچون توحید، عدل، نبوت، امامت، عصمت، نص، علم، معجزه، بدا، قضا و قدر، رجعت و تقیه از مسائل مهم کلام امامیه به حساب می‌آیند.

در نظر گرفتن این نکته ضروری است که با عنایت به اینکه موضوع کتاب، پیرامون امام و شرح‌حال‌نگاری است، تنها موضوعات ویژه‌ای از دو علم در آن‌ها مورد توجه سیره‌نگاران در عصر کلاسیک قرار داشته است. برای نزدیک‌شدن به روش و شیوه رازی در استفاده از این دو علم، ابتدا لازم است، الگوها و قالب نگارش کتب سیره‌نگاری در عصر پیشامدرن را مورد دقت نظر قرار داد؛ چرا که غالباً نویسندگان بر پایه همان قالب‌ها و ضابطه‌ها، اهداف خود را در متن دنبال کرده و زندگی سوژه‌های خویش را توصیف می‌کردند. مطالعه کتاب ***نزهه*** هم پیروی رازی از این قالب را تأیید می‌کند.

در کتب سیره‌نگاری / زیست‌نگاری، گزارشی از حیات افراد شاخص یا پرنفوذ ذکر می‌شود.[۱] در این میان، موضوعات تاریخیِ نسب[۲] شخص، سیر زمانی[۳] رویدادهای مهم زندگی او، فضایل[۱] و برتری هایش

---

۱. رابینسون، ***تاریخ‌نگاری اسلامی***، ص ۱۲۳ ـ ۱۲۲و ص ۱۲۹.

۲. نَسَب به‌عنوان شاخه مهمی در تقسیمات انواع تاریخ‌نویسی پژوهش‌ها دیده می‌شود. (نمونه: آئینه‌وند، ***علم تاریخ***، ج ۱، ص ۲۴۲ ـ ۲۲۸؛ جعفریان، ***تاریخ اسلام***، ص ۳۴ ـ ۳۲؛ روزنتال، ***تاریخ نگاری در اسلام***، ص ۱۲۰ ـ ۱۱۹). شناخت و ثبت نسب پیشینیان، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و قریش و سایر قبایل عربی، نوادگان چنگیز و تیمور و... موضوعی مهم در نگرش نویسندگان عرب و ایرانی در دوره پیشامدرن بوده است. پس می‌توان آن را به‌عنوان یک شاخصه تاریخی در متن ***نزهه*** نیز، جست‌وجو کرد.

۳. تعریف تاریخ در پژوهش‌های مربوط به تاریخ‌نگاری اسلامی با حادثه‌ای در زمان گذشته پیوند می‌خورد (نمونه: ن.ک: سجادی و عالم‌زاده، ***تاریخ‌نگاری در اسلام***، ص ۹ ـ ۵؛ آئینه‌وند، ***علم تاریخ***، ج ۱، ص ۲۴۲ ــ ۲۲۸). به نظر می‌رسد تمامی نویسندگان کلاسیک هم با کلیت این تعریف موافق بوده‌اند (برای برخی از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها، ن.ک: آئینه‌وند، ***علم تاریخ***، ج ۱، ص ۴۵ ـ ۲۴). پس حادثه زمان‌مند و کلیه خبرهایی که حاوی عنصر زمان است، می‌تواند یک

و بدی‌ها و مثالب بدخواهان و رقبایش، مهم‌ترین موضوعاتی هستند که به آن‌ها پرداخته شده است. در اثر رابینسون، این موارد به غیر از مثالب به‌طور پراکنده قابل مشاهده هستند.[۲] در زیست نگاری پیرامون شخصیت‌ها و مشاهیر دینی صدر اسلام، به‌ویژه صحابه و خلفای نخستین، مقوله شأن نزول تاریخی آیات قرآن[۳] هم مسئله‌ای مهم بوده است که نویسندگان به فراخور نیاز، آن را مطرح می‌کردند. این پنج

مؤلفه قابل‌ردیابی در متون زیست‌نگاری و تراجم در نظر گرفته شود. در برخی روایات، فقط از حادثه مهم تاریخی، بدون ذکر زمان وقوع آن، یاد شده است، اما به‌جهت اهمیت واقعه، زمان رخداد نزد مورخان روشن است؛ به‌عنوان نمونه واقعه عام‌الفیل، لیلهٔ المبیت، غزوات رسول خداﷺ، غدیر و قیام توابین به‌جهت شهرت، زمان تقریبی وقوع آن مشخص است. ازاین‌رو، همه این موارد، یعنی حادثه مهم تاریخی، واقعه‌ای با زمان روشن یا زمان و مکان مشخص می‌توانند ذیل شاخصه حادثه زمان‌مند محسوب شوند. در زیست‌نگاری پیرامون شخصیت‌ها و مشاهیر دینی صدر اسلام ازجمله کتاب ***نزهه***، یافتن ابعاد مختلف حیات سیاسی و اجتماعی اشخاص، دغدغه اصلی نویسندگان نبوده و کوشش اصلی آنان بر روایت «ویژگی آرمانی» سوژه‌ها در ارتباط با دین متمرکز بود (برای ویژگی آرمانی ن.ک: رابینسون، ***تاریخ‌نگاری اسلامی***، ص ۱۲۶). ازاین‌رو، به نظر می‌رسد خط سیر زمانی حوادث زندگی سوژه‌ها در ارتباط با موضوع دین، اولویت بیشتری داشته و طرح دقیق حیات سیاسی یا اجتماعی یا اقتصادی، هدف اصلی نبوده و به فراخور ارتباط با مقوله دینی در نزد آنان ارزش ضبط داشته است (نمونه: ن.ک: ابن‌سعد، ***طبقات الکبری***، ج ۱ و ۲؛ مفید، ***الإرشاد***، ج ۲؛ ***ابن‌خلکان، وفیات الأعیان***، ج ۱۰ ـ ۱؛ ذهبی، ***تاریخ الاسلام***، ص ۳ ـ ۱؛ قاضی شوشتری، ***مجالس المؤمنین***، ج ۱، ص ۲۴۴ ــ ۱۶۳). پس حادثه زمان‌مند می‌تواند یک شاخصه در نظر گرفته شود که همزمان ممکن است ابعاد مختلف موضوعات سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی را در ارتباط با وجه دینی سوژه در بر بگیرد.

۱. از طرف دیگر، قسمت عمده‌ای از کوشش مؤلفان کلاسیک در ذیل روایت اخبار تاریخی در کتب سیره و دیگر انواع تاریخ‌نویسی در جهت ثبت فضائل، مناقب و مثالب بوده است (نمونه: ن.ک: ابن‌ابی‌الحدید، ***شرح نهج‌البلاغه***، ج ۱۳، ص ۲۶۵ ـ ۲۱۵؛ آئینه‌وند، ***علم تاریخ***، ج ۱، ص ۲۶۳؛ جعفریان، ***تاریخ اسلام***، ص ۹۲ ـ ۸۸؛ رابینسون، ***تاریخ‌نگاری اسلامی***، ص ۱۲۶). این امر به‌ویژه در آثار مؤلفان فرق مذهبی چون شیعه قابل مشاهده است (نجاشی، ***رجال***، ص ۱۱، ۲۵۳، ۲۸۰، ۳۳۵، ۴۲۸؛ طوسی، ***فهرست***، ص ۵۷، ۱۵۰، ۲۶۶، ۵۱۱؛ قاضی نعمان، ***شرح الأخبار***؛ برای نمونه‌های دیگر ن.ک: ناجی و دیگران، ***تاریخ و تاریخ‌نگاری***، ص ۹۵ ـ ۸۰). این نویسندگان با گرایش‌های نژادی و عقیدتی مختلف سعی داشتند از طریق ذکر فضائل دوست و مثالب دشمن قصد خود را به اثبات برسانند. رازی نیز، به وفور از این موضوعات در شرح‌حال‌نگاری معصومین‌علیهم‌السلام استفاده کرده است، ازین‌رو، در این مقاله، فضائل و مثالب به‌عنوان دو شاخصه تاریخی حساب شده است.

رازی تعریف دقیقی از تفاوت منقبت و فضیلت ارائه نمی‌کند. براساس متن، به نظر می‌رسد در نگاه او، منقبت با موضوعی زمینی در ارتباط است که یک انسان عادی هم توان انجام آن را دارد؛ ولی فضیلت ممکن است ناظر به توانایی و شأن زمینی یا قدسی باشد؛ یعنی دایره شمول معنایی فضیلت بسی فراتر از منقبت است. جالب آنکه او در کنار استفاده بسیار نادر از واژه منقبت، کلمه فضیلت را نیز، برای امام‌علیه‌السلام به‌کار برده است (نمونه ن.ک: رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۲، ص ۵۰۷، ۵۰۸ و ۵۱۶). ملاک‌های مقاله برای شمارش / تشخیص مؤلفه فضیلت، موارد فوق بوده است: اشاره مستقیم نویسنده به فضیلت یا فخر امام، شأن نزول آیات قرآن در حق امام، ذکر معجزه برای امام (به سبب تأکید مستقیم رازی (همان، ص ۵۱۶) و هر مقایسه‌ای که بین امام با صحابه، خلفا و یا فرد مشهور دیگری صورت گرفته است تا برتری امام را یادآور شود.

۲. رابینسون، ***تاریخ‌نگاری اسلامی***، ص ۱۲۸ ـ ۱۲۲. نمونه: ن.ک: ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۴؛ ابن‌سعد، ***طبقات الکبری***، ج ۲، ۱؛ مفید، ***الإرشاد***، ج ۲؛ ذهبی، ***تاریخ الاسلام***، ص ۳ ـ ۱؛ قاضی شوشتری، ***مجالس المؤمنین***، ج ۱، ص ۲۴۴ ـ ۱۶۳.

۳. یکی از موضوعات دیگری که در انواع تاریخ‌نویسی سیره، تک‌نگاری، تراجم، طبقات و تواریخ محلی به‌وفور دیده می‌شود، شأن نزول تاریخی آیات قرآن کریم است. در متن نزهه نیز، رازی همانند بسیاری از نویسندگان این

موضوع در متن ***نزهه*** نیز مشاهده می‌شود و بسامد سنجیده آن‌ها (حضور یا غیبت آن‌ها) ویژگی‌ها و پیام نویسنده را روشن می‌سازد. بنابراین می‌توان آن‌ها را به‌عنوان شاخصه‌های تاریخی در نظر گرفت.

از سویی دیگر، ازآنجاکه موضوع اصلی کتاب ***نزهه الکرام*** پیرامون امام است، لازم است مؤلفه‌های کلامی مربوط به امامت در آن جست‌وجو شود. مسائل خرد کلامی چون بدا، قضا و قدر، رجعت و تقیه در این اثر مورد توجه مؤلف نبوده، لذا از حوزه این پژوهش خارج است. امامت به‌عنوان یکی از موضوعات مهمِ علم کلام، در ردیف اصول اعتقادی شیعه امامیه قرار دارد.[۱] به‌طور کلی سه مولفهٔ ویژه و منحصربه فرد برای تشخیص و اثبات امام در کلام شیعی در نظر گرفته می‌شود که عبارت است از نص، عصمت و علم.[۲] هرچند، شیخ مفید یادآور می‌شود که بسیاری از امامیه ظهور معجزه برای امام را واجب می‌شمرند، ولی وی آن را واجب عقلی و شرط امامت نمی‌داند.[۳]

با مطالعه کتاب رازی به نظر می‌رسد با وجود هم‌عقیده‌بودن او با سه شرط اثبات امامت، مؤلفه‌های نیازمند به تأکید در ذهن او اندکی متفاوت است. ظهور معجزه از سوی امام یک مؤلفه اساسی است که وی با ذکر مصادیق فراوان، قصد دارد معجزه را هم به‌عنوان یک ویژگی منحصربه‌فرد و برتر امام شیعی اثبات کند. رازی واژه معجزه را برای ویژگی قدرت امام به کار می‌برد. در نگاه او میان کلمات معجزه و کرامت، تفاوت معنایی وجود ندارد و هر دو مترادف هستند. از نظر او واژه درست، همان معجزه است که برای انبیاء علیهم‌السلام هم استفاده می‌شود.[۴] رازی همانند سایر علمای شیعی، ویژگی علم امام را در دو ساحت علم غیب و علم در همه ساحت‌های آن، به‌ویژه علم دینی مطرح می‌کند. خوانش متن نشان می‌دهد این دو ساحت برای وی بسیار مهم بوده است و او کوشش دارد به خصوص علم غیب را منفک شده بیان و اثبات کند، لذا این دو به‌عنوان دو شاخصه مجزا شمارش شدند. رازی همانند مؤلفان شیعی سده ششم، همچون طبرسی (م. ۵۸۸ ق) واژه احتجاج را برای علم در معنای عام و به‌ویژه علم دینی امام استفاده کرده است. لذا برای نزدیکی بیشتر به فضای متن و نویسنده، در این مقاله نیز، از کلمه احتجاج استفاده شد. در

گونه‌ها، از این موضوع استفاده کرده و سبب شأن نزول یک آیه درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را با یک یا چند شخصیت در یک واقعه تاریخی مشخص پیوند زده و تفسیر کرده است. ازاین‌رو، این ویژگی سومین شاخصه تاریخی پژوهش حاضر را شکل داده است.

۱. شیرزاد، ***کلام اسلامی***، ص ۱۹۰ ـ ۱۸۹.

۲. برای این نظرات و تفاوت در تعاریف ن.ک: ولوی، ***تاریخ علم کلام***، ص ۳۸ ــ ۳۱ و ص ۲۲۸ ــ ۲۲۴؛ مکدرموت، ***اندیشه‌های کلامی شیخ مفید***، ص ۱۵۰ ـ ۱۴۱؛ ابراهیمی، ***درآمدی بر عقاید***، ص ۲۱۴ ـ ۱۹۳؛ ربانی گلپایگانی، ***امامت***، ص ۳۰۹؛ کاشفی، ***کلام شیعه***، ص ۹۷ ـ ۹۶.

۳. مکدرموت، ***اندیشه‌های کلامی شیخ مفید***، ص ۱۵۰.

۴. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۲، ص ۴۷۲ ـ ۴۶۷.

مجموع، مؤلفه های نص، عصمت، معجزه، احتجاج و علم غیب،[۱] شاخصه های کلامی این مقاله درنظر گرفته شدند (برای نظرات رازی ن. ک: قسمت فراوان نجی مؤلفه های کلامی مقاله). در ادامه، ضمن معرفی مختصر نویسنده و کتاب وی، مؤلفه‌های کلامی و تاریخی و سنجش فراوانی آن‌ها مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

محمد بن حسین رازی آبی و کتاب نزهه الکرام

محمد بن حسین رازی آبی (زنده در۶۳۰ ق) از نویسندگان شیعی پایان قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم هجری است. سال ولادت و وفات مؤلف دانسته نیست. هویت رازی به‌عنوان مؤلف کتاب ***تبصره العوام و نزهه الکرام***، سال‌ها محل اختلاف پژوهشگران بود.[۲] در مورد زندگی شخصی او همین‌مقدار اطلاع وجود دارد که وی یا خاندانش اهل آوه قم بوده یا مدتی در آنجا سکونت داشته اند. او کتاب ***تبصره*** را در ۶۳۰ ق در شیراز تألیف کرد.[۳]

کتاب ***نزهه الکرام*** دومین اثر شناخته‌شده محمد بن حسین رازی است. ارتباط متنی‌ای که ایرج افشار در سال ۱۳۳۸ بین این کتاب و ***تبصره العوام*** به دست آورد، گواهی بر واحدبودن نویسنده این دو اثر است.[۴]

نزهه الکرام و ***بستان العوام***، اثری به زبان فارسی است. بنابر سخن مؤلف، فهم کتاب ***تبصره*** برای عوام دشوار بوده و او سعی کرده در متنی راحت‌تر و اخباری‌تر، معارف شیعی را در چهارچوب روایات تاریخی و گزارش‌های خبری به مخاطبان خود ارائه و تبیین کند. ازاین‌رو، افزون‌بر آنکه جهت‌گیری آن تاریخی است، اما غایت کلامی آن نمود بیشتری دارد. رازی در مقدمه ***نزهه الکرام***، مخاطب کتاب را توده عوام می‌داند[۵] و آن را در دو مجلد، مشتمل بر ۶۰ باب به نگارش درآورده است.

---

۱. برای توضیحات بیشتر در تعریف این مؤلفه‌ها ن.ک: مفید، ***اوائل المقالات***، ص ۲۴؛ همان، ص ۲؛ ابن‌منظور، ***لسان العرب***، ج ۷، ص ۹۷؛ بیضاوی، ***طوالع الانوار***، ج ۱، ص ۵۶۴؛ ربانی گلپایگانی، ***امامت***، ص ۲۱۴؛ همان، ص ۴۱ ــ ۴۰؛ محقق، ***عصمت***، ص ۱۶۲ ـ ۱۴۹؛ صفی‌پور، ***منتهی الإرب***، ج ۲، ص ۲۲۳؛ عاملی، ***مناظرات***، ص ۱۰ ــ ۸؛ طباطبائی، ***المیزان***، ج ۷، ص ۱۲۶؛ نادم، ***علم غیب***، ص ۱۱۶.

۲. رازی، ***تبصره العوام***، ص ۱؛ همان، ص ۸؛ کنتوری، ***کشف الحجب***، ص ۹۶؛ آقابزرگ طهرانی، ***الذریعه***، ج ۲۴، ص ۱۲۳؛ مقدمه شیروانی در؛ رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۶.

۳. بهرامیان، ***تبصره العوام***، ج ۱۴، ص ۴۸۸؛؛ حاج سید جوادی، ***آبه***، ج ۱، ص ۶.

۴. افشار، ***کتابی از مؤلف تبصره العوام***، ص ۵۴ ـ ۴۳؛ و نیز ن.ک: ابن‌طاووس، ***فرج المهموم***، ص ۱۰۸ ــ ۱۰۷؛ مقدمه شیروانی در: رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۲۵.

۵. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۲ ـ ۱.

مؤلفه‌های کلامی درباره معصومین علیهم‌السلام

۱. عصمت

مبدأ مباحث رازی در کتاب ***نزهه الکرام*** با نقل روایتی از کعب الاحبار با عنوان میلاد حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله آغاز می‌شود که آن را با آغاز آفرینش آدم پیوند می‌زند: «چون آدم را بیافرید، از خطهای پیشانی خود همهمه‌ای می‌شنید، مانند حرکت ذر. گفت: "خدایا، این چیست؟" گفت: "این تسبیح خاتم انبیاء و سید رسل است از فرزندان تو، نگه دار او را به عهد و میثاق من، که ننهی او را الا در صلب های پاک و ارحام‌های زاهر مطهر" ... ».[۱] بر پایه این روایت، نویسنده کتاب به عصمت و پاکی اجداد حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله باور دارد و آنان را در حوزه مؤلفه کلامی عصمت قرار می‌دهد.[۲]

رازی در این اثر، مباحث «عصمت» و «معجزه» را به‌عنوان اولین مسائل کلامی مطرح کرده و با تمسک به ابزار معجزه درصدد اثبات عصمت انبیاء الهی علیهم‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ برای نمونه او دراین‌باره می‌نویسد:

> چون هود به وجود آمد از هر گوشه آواز می‌شنید این نور محمد علیه الصلوه والسلام است که بتان را بدان بشکند و طاغیه را بدان بردارند. «هود» از اهل زمانه خود پاکیزه‌تر و زاهدتر بود.[۳]

گفتنی است که مقصود نویسنده از تکرار واژه های «پاک»، «پاکیزه»، «عصمت» و «مطهر» برای انبیاء علیهم‌السلام و همسرانشان مانند حوا علیهاالسلام، زن نوح علیه‌السلام، اجداد و مادران رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، همچون همسر هاشم همان عصمت است.[۴] بنابراین، در روایت های مربوط به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، ۱۰مورد شاهد کلامی در باب عصمت را به ویژه با واژه «پاک» یادآور می‌شود.[۵]

مؤلف در روایت های مربوط به امام علی علیه‌السلام، برای اثبات عصمت امام، از ادله نقلی و عقلی بهره گرفته است. وی عصمت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را با ارائه ۶ داده کلامی اثبات می کند که شامل صلب پاک ابوطالب، عصمت از بدو تولد[۶] و با استناد آیات قرآن کریم همچون آیه تطهیر[۷] و «وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»[۸] و

---

۱. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۶.
۲. همان، ص ۸۶ ـ ۲۳.
۳. همان، ص ۱۰۷.
۴. همان، ص۳۱، ۳۸ و ۴۴.
۵. همان، ص ۳۱، ۳۸ و ۴۴.
۶. همان، ص ۹۰ و ۹۵.
۷. همان، ج ۲، ص ۴۷۹ و ۵۴۴.
۸. همان، ص ۵۵۵ و ۵۸۷.

همچنین، نقل عبارت دوربودن انحصاری ائمه و معصومین از حرص دنیا است.[۱]

۴ مورد شاهد به عصمت حضرت زهرا اختصاص داده شده و درباره عصمت حسنین سخنی به میان نیامده است. یک مورد از این داده در بحث جدلی فدک با ذکر واژه «معصومه»[۲] و ۳ مورد دیگر در جریان ولادت حضرت فاطمه با تعابیری مثل؛ «طاهر و مطهر» و «پاک و میمون» نقل شده است.[۳] درباره امام سجاد تا امام زمان نیز تنها ۲ داده عصمت با استناد به آیه تطهیر گزارش شده است.[۴]

نمودار شماره۱: فراوانی موضوعی مولفه کلامی معجزه درباره معصومین

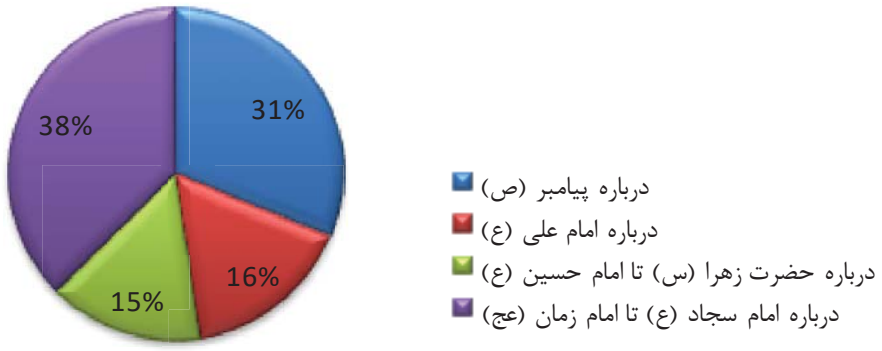

نمودار شماره۲: فراوانی موضوعی مولفه کلامی عصمت درباره معصومین

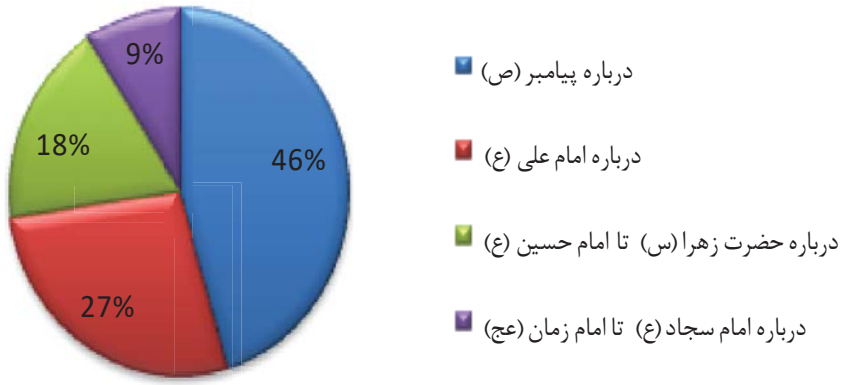

---

۱. همان، ج ۱، ص ۳۲۸، ۳۶۹ ـ ۳۶۸.
۲. همان، ص ۳۲۸.
۳. همان، ج ۲، ص ۶۰۳ ـ ۶۰۱.
۴. همان، ص ۶۸۲ و ۷۰۳.

۲. نص

نویسنده کتاب در مقام اثبات امامت ائمه هدی علیهم‌السلام، از طریق نص الهی و نص قولی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایت های مربوط به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله ۱۱ مورد شاهد مرتبط با این نصوص را روایت کرده است.[۱] رازی با بیان غالب نصوص قولی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در بخش معجزات حضرت درصدد است، این عقیده کلامی را به‌وسیله معجزه اثبات کند؛ برای نمونه، او با چینش و نقل روایات معجزه رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله در نزول تحفه‌های بهشتی می کوشد با برجسته‌کردن مقام امامت و وصایت، تنها امام علی علیه‌السلام را شایسته همراهی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قلمداد کند.[۲]

رازی در روایت‌های مرتبط با امام علی علیه‌السلام ۱۷ داده شاخصه نص امام را نقل می‌کند.[۳] این داده‌ها در قالب تعابیر و مضامینی همچون تعداد و اسامی ائمه علیهم‌السلام، اقرار امام علی علیه‌السلام به وصایت خود در زمان تولد، استناد به آیات قرآن کریم، مثل آیات ۷ سوره آل عمران و ۵۴ سوره نساء و سخن صحابه و شخصیت‌های تاریخی، به‌دنبال اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.[۴]

درباره حضرت زهرا علیهاالسلام و حسنین علیهماالسلام، به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، ۲ مورد مؤلفه نص گزارش شده است.[۵] در روایت‌های مربوط به امام سجاد علیه‌السلام تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه تنها در ۳ مورد به این شاخصه اشاراتی کرده است. تعابیری مثل: «وسایل پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله» و «لوح ائمه معصومین علیهم‌السلام» مفاهیم کاربردی رازی در اثبات این مؤلفه کلامی است.[۶]

عدد دوازده‌گانه ائمه صلی‌الله‌علیه‌وآله، آیات قرآن کریم دارای دوازده حرف، خلقت نوری دوازده امام علیه‌السلام، آیاتی از انفس (نفوس) دارای دوازده حرف ازجمله مواردی است که رازی از این طریق، دلیل دیگری برای اثبات نص الهی امامت ائمه دوازده‌گانه علیهم‌السلام ارائه می‌دهد. او این روایات را از منابع دیگر مثل تورات و انجیل و منابع مخالف شیعی نیز نقل کرده تا به این صورت برای عدم تائید این عقیده از سوی آنان حجتی نماند.[۷]

---

۱. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۲۱۵، ۱۸۷، ۱۸۱؛ ج ۲، ص ۴۶۴، ۴۶۳، ۴۶۰، ۴۵۹، ۴۵۴، ۴۱۲.
۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۷ و ۲۱۵؛ ج ۲، ص ۴۵۹، ۴۵۶، ۴۵۴.
۳. همان، ص ۳۲۶، ۲۵۷، ۲۲۹، ۲۰۹، ۱۹۸، ۱۹۲، ۱۸۹، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۶۶؛ ج ۲، ص ۵۹۵، ۵۵۹، ۵۴۶، ۵۴۲، ۴۸۸، ۴۷۴.
۴. همان، ص ۹۰؛ ج ۲، ص ۵۸۱ و ۵۹۲.
۵. همان، ص ۵۵۴.
۶. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۲، ص ۶۹۸ ـ ۶۹۷، ۷۲۸ و ۷۳۱.
۷. همان، ص ۴۳۴ ـ ۴۰۹.

نمودار شماره۳: فراوانی موضوعی مولفه کلامی نص درباره معصومین

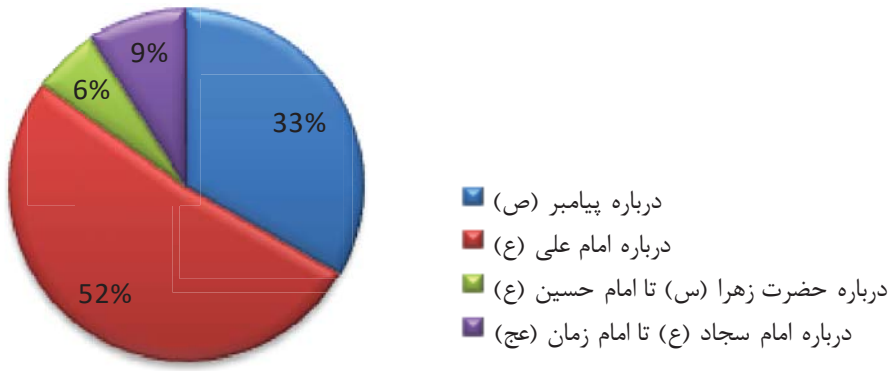

۳. علم غیب

عمده مولفهٔ «علم» درباره پیامبرﷺ، مربوط به «علم به آینده»،[۱] اخباری از «غیب‌گویی‌های پیامبرﷺ» و «خبردادن آن حضرت از حوادث و اتفاقات حال و آینده» است که با ۹۰ گزارهٔ علم غیب ارائه شده است.[۲] علم به «حوادث گذشته و آینده» و «علم به افکار و اندیشه‌ها» نمونه‌هایی از علم غیب امام علیؑ است که در پوشش ۲۴ داده کلامی روایت شده است.[۳] تعداد شواهد علم غیب درباره حسنینؑ عمدتاً با «علم به آینده» در ۱۱ داده گزارش شده است.[۴] علم غیب در روایت های مربوط به امام سجادؑ تا امام زمانؑ به ۸۳ مورد می‌رسد که عمده تمرکز آن به «اتفاقات آینده»، «اندیشه و ضمایر افراد» و «زمان مرگ اشخاص» است.[۵]

---

۱. همان، ج ۱، ص ۱۴، ۸، ۲۴ ـ ۲۰، ۱۰۹، ۷۸، ۷۱، ۶۷، ۶۴، ۶۲، ۶۱، ۵۸، ۵۶، ۴۴، ۴۲، ۳۹، ۳۳؛ ج ۲، ص ۷۹۳، ۷۹۲، ۷۸۶، ۴۵۰، ۴۳۱.

۲. همان، ص ۵، ۱۴، ۴۴، ۵۶، ۵۸؛ ۲۶۶، ۲۱۶، ۱۹۴، ۱۹۲، ۱۸۳، ۱۷۹، ۱۷۶، ۱۷۱، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۲، ۱۴۵، ۳۳۶، ۳۵۸؛ ج ۲، ص ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۷۷، ۵۰۷، ۵۱۴، ۶۷۸، ۶۶۱، ۶۵۱، ۶۵۰، ۶۱۸، ۶۰۸، ۶۰۶، ۶۰۲، ۶۰۱، ۵۸۲، ۵۶۳، ۵۵۷، ۵۳۲، ۵۳۱.

۳. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۳۶۸، ۲۹۹، ۲۹۷، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۶۶، ۱۷۸، ۹۳، ۹۱، ۸۷؛ ج ۲، ص ۷۸۶، ۶۲۱، ۵۵۵، ۵۵۴، ۵۴۸، ۵۳۶، ۵۳۳، ۵۱۵، ۵۱۴، ۵۱۰، ۵۰۲، ۴۹۹، ۴۱۶.

۴. همان، ص ۶۷۰، ۶۵۶، ۶۵۵، ۶۵۰، ۶۳۶، ۶۲۱، ۶۱۸، ۶۱۷

۵. همان، ص ۸۳۶، ۸۳۱، ۸۲۶، ۸۲۲، ۸۱۵، ۸۰۸، ۸۰۲، ۷۸۰، ۷۷۸، ۷۶۲، ۷۵۵، ۷۳۱، ۷۲۵، ۷۰۲، ۶۹۹، ۶۹۷، ۶۹۶، ۶۸۰، ۶۷۹، ۶۷۸، ۶۷۷، ۶۷۶، ۶۷۳

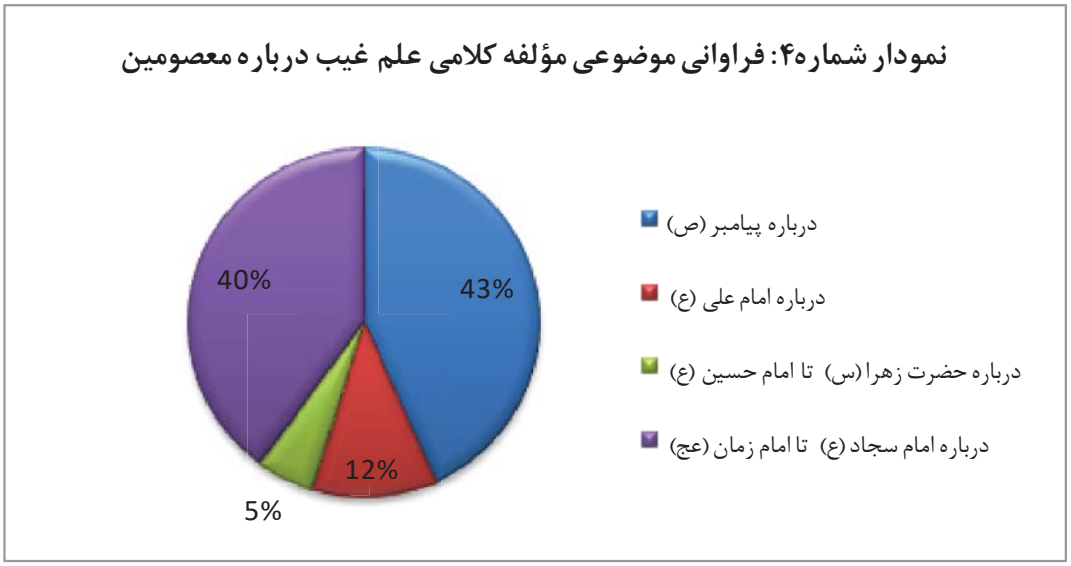

۴. احتجاج (علم دینی)

عناوین فهرست کتاب و اختصاص باب‌هایی با عنوان «احتجاج» در ذیل بیشتر حیات ائمه علیهم‌السلام به‌روشنی گویای اهمیت این مسئله در نگاه رازی است، به‌طوری که یکی از پرتکرارترین باب‌های کتاب است. بدین سان، برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ۵ باب، امام علی علیه‌السلام ۶ باب و برای روایت‌های مرتبط با امام حسن علیه‌السلام تا امام رضا علیه‌السلام ۷ باب به این موضوع اختصاص داده شده است.

در روایت‌های مربوط به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، احتجاجات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در قالب ۵ فصل با گروه‌های مختلف اهل کتاب، مخالفان و موافقان دین اسلام، درباره اصول دین با ۲۹ مورد شاهد احتجاج نقل شده است.[۱] شرح مفصل نویسنده در صفحات متعددی از کتاب، با عنوان «احتجاج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در غدیر خم»، نمودی از شاخص‌بودن امر ولایت در نگرش رازی با پوشش احتجاج است.[۲]

توجه ویژه رازی به مبحث مناظرات، از ارائه ۱۸۷ مورد احتجاج در روایت‌های مرتبط با امام علی علیه‌السلام نمود می‌یابد. احتجاجات امام علی علیه‌السلام، در ۶ باب با گروهایی از مهاجر و انصار، خوارج، نمایندگان رومی و زندیقان انجام یافته است.[۳] نوع و مدل مناظرات امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مواجهه با افراد و موقعیت آنان متفاوت بوده است. گاهی به‌صورت اقرار گرفتن از طرف مقابل جهت یادآوری علم و فضائل امام بوده،

---

۱. رازی، ***نزهة الکرام***، ج ۱، ص ۱۸۵، ۱۸۰، ۱۷۵، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۵۲، ۱۴۲، ۱۴۰، ۱۳۰.
۲. همان، ص ۲۰۰ ـ ۱۸۶.
۳. همان، ص ۲۳۷ ـ ۲۳۳، ۲۶۱ ـ ۲۵۶، ۲۶۸ و ۲۶۹، ۲۷۴ ـ ۲۷۱، ۲۷۷ و ۲۸۸، ۲۸۹ ـ ۲۸۱؛ ج ۲، ص ۴۱۴ و ۴۱۵، ۵۰۰، ۵۵۴ ـ ۵۴۰، ۵۵۶، ۵۶۷ ـ ۵۵۸، ۶۰۰ ـ ۵۶۹.

گاهی هم در جواب دادن به سؤالات صورت گرفته است.[۱]

نویسنده کتاب، ۷۱ مورد احتجاج در روایت‌های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام و حسنین علیهما السلام را ارائه می‌کند که ۵۷ شاهد آن مربوط به بخش امام حسن علیه السلام و ۱۴ شاهد دیگر به بخش امام حسین علیه السلام اختصاص دارد؛ ولیکن احتجاجی از حضرت زهرا علیها السلام روایت نمی‌کند.[۲] موضوع عمده این احتجاجات دفاع از حقانیت حضرت علی علیه السلام به‌ویژه انتقال علم نبی صلی الله علیه و آله به ایشان است.[۳] رازی اخبار مناظرات و احتجاجات مربوط به امام سجاد علیه السلام تا امام رضا علیه السلام را در باب علوم دینی با گروه‌های موافق و مخالف نقل کرده و با هدف اختصارگویی از این مؤلفه در زندگی امامان بعدی صرف نظر کرده است.[۴] باوجوداین حذف، احتجاجات این دوره به ۱۸۲ داده می‌رسد.[۵]

نمودار شماره ۵: فراوانی موضوعی مؤلفه کلامی احتجاج درباره معصومین

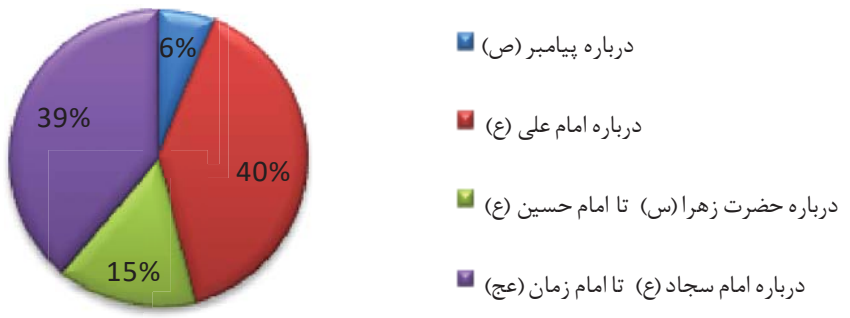

۵. معجزه

معجزه از عمده‌ترین و حتی گاهی تنها راه شناخت پیامبران الهی دانسته شده است.[۶] مؤلف اظهار معجزه از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله را دلیلی بر عجز انسان و صدق رسالت و نبوت نبی صلی الله علیه و آله می‌داند.[۷] او در دو باب (۱۵ و ۳۵) به معجزات حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرداخته و ۱۱۴ داده مرتبط با معجزه را ارائه می‌دهد؛[۸] به‌عنوان نمونه،

---

۱. همان، ج ۱، ص ۲۴۱ ـ ۲۳۱.
۲. همان، ج ۲، ص ۶۲۲، ۶۴۵ ـ ۶۲۴، ۶۷۰ ـ ۶۵۹.
۳. همان، ص ۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۸.
۴. همان، ص ۷۵۶.
۵. همان، ص ۶۸۹ ـ ۶۸۱، ۷۱۶ ـ ۷۰۷، ۷۵۳ ـ ۷۳۳، ۷۷۴ ـ ۷۶۵، ۹۸۷ ـ ۷۸۳.
۶. طوسی، ***الاقتصاد***، ص ۲۵؛ همان، ***تمهید الاصول***، ص ۳۱۵.
۷. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۱۴۵.
۸. همان، ص ۸ ـ ۶، ۲۳، ۲۱، ۱۷، ۱۴، ۱۲، ۳۴، ۳۲، ۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۴۱ ـ ۳۶، ۷۷، ۷۶، ۷۳، ۷۰، ۶۶، ۶۴، ۶۳، ۵۹، ۴۵؛ ۲ / ۴۳۳، ۴۵۰، ۳۹۸، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۷۴، ۱۷۰، ۱۶۸، ۱۵۵، ۱۵۲، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۵؛ ج ۲، ص ۴۶۵ ـ ۴۴۷.

سجده و سلام فیل ابرهه به زبان انسان به عبدالمطلب به‌واسطه نور رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله در چهره عبدالمطلب، بر اعجاز دلالت دارد.[۱]

در نگرش رازی، اظهار معجزه به‌وسیله امام امکان‌پذیر است. او با استناد به عصمت امام، درصدد اثبات این عقیده کلامی است و آن را در مقابل آنچه بعضی با عنوان کرامات برای شیوخ خود می‌خوانند، قرار می‌دهد.[۲] رازی هر معجزه‌ای را فضیلتی برای ایشان تلقی می‌کند: «بدان که هر معجزه فضیلتی بود اما نه هر مناقبی معجزه باشد».[۳] درمجموع، رازی درباره امام علی علیه‌السلام، ۶۰ داده مرتبط با شاخصه معجزه را ارائه می‌دهد.[۴]

در روایات مربوط به حضرت زهرا علیهاالسلام و حسنین علیهماالسلام ۵۵ مورد معجزه نقل شده است.[۵] در این کتاب، در ذیل باب معجزه حضرت علیهاالسلام تیترهایی برجسته شده است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «نزول ملائکه هنگام ازدواج فاطمه علیهاالسلام با امیرالمؤمنین علیه‌السلام» و «معجزه فاطمه علیهاالسلام از دیگ وآتش»[۶] تیترهایی مثل «معجزه حسن علیه‌السلام از میوه بهشتی» و «معجزه از خبر غایبات» نمونه‌ای از معجزات امام حسن علیه‌السلام[۷] و ظاهرشدن «معجزات امام حسین علیه‌السلام پس‌از شهادت» نمونه‌ای از تیترهای باب معجزات امام حسین علیه‌السلام به شمار می‌آید.[۸]

رازی در روایت های مرتبط با امام سجاد علیه‌السلام تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه با ارائه ۱۳۷ مورد شاهد معجزه،[۹] تصریح ائمه به معجزات خویش را مطرح می‌کند: «این معجزه است که چون کسی از شما پرسد که اینکه کرد، گویند: "امام ما"»[۱۰] همچنین، نویسنده از فصل معجزات امام کاظم علیه‌السلام، عنوان «معجزه امام از گفتن اندیشه مردم» که مربوط به اخبار غیبی است را در فهرست اعجاز امام قرار می‌دهد[۱۱] و از باب معجزات امام رضا علیه‌السلام عنوان دیگری به نام «در خبردادن از اجل (آجال)» را به مباحث اعجاز وارد می‌کند.[۱۲]

---

۱. همان، ص ۱۵۳ و ۲۱. و نیز: ۱۸۳.
۲. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۲، ص ۴۶۷.
۳. همان، ص ۵۱۶.
۴. همان، ج ۱، ص ۸۸، ۸۷، ۹۲ ـ ۹۰، ۲۸۸، ۱۷۸، ۹۴؛ ج ۲، ص ۴۹۷ ـ ۴۷۳، ۵۰۹ ـ ۴۹۹ و ص ۵۳۷ ـ ۵۲۴، ۶۵۷، ۶۰۴ و نیز ن.ک: ج ۲، ص ۴۵۵، ۴۹۱، ۶۱۲ ـ ۶۰۱ و ص ۶۲۱ ـ ۶۱۳، ۶۵۸ ـ ۶۴۶؛ ۶۱۲ ـ ۶۰۱.
۵. همان.
۶. همان، ص ۶۱۲ ـ ۶۰۱.
۷. همان، ص ۶۱۷ ـ ۶۱۵ و ص ۶۲۳ ـ ۶۱۷.
۸. همان، ص ۶۵۴ ـ ۶۵۱.
۰۹. همان، ۶۸۰ ـ ۶۷۲، ۶۸۸، ۷۰۶ ـ ۶۹۰، ۷۳۲ ـ ۷۱۷، ۷۶۴ ـ ۷۵۴، ۷۸۱ ـ ۷۷۶؛ ج ۲، ص ۸۰۹ ـ ۷۹۹، ۸۲۰ ـ ۸۱۰، ۸۲۷ ـ ۸۲۲، ۸۳۶ ـ ۸۲۸.
۱۰. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۲، ص ۷۳۱.
۱۱. همان، ص ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۶۲ ـ ۷۵۷.
۱۲. همان، ص ۷۸۲ ـ ۷۷۸.

شاخصه‌های تاریخی درباره معصومین

۱. نسب

تأکید بر سلسله انساب رسول‌الله، هم در کلام پیامبر، اهل‌بیت و اصحاب آنان و هم از زبان مخالفان آنان در این اثر گزارش شده است. رازی درباره پیامبر، از زبان ابوطالب، عبدالمطلب، راهبان و شخص پیامبر به معرفی پدران و اجداد پیامبر پرداخته است و ۷ داده تاریخی نسب را گزارش می‌کند.[۱]

در کتاب ***نزهه***، در روایت‌های مربوط به امیرالمؤمنین، با ۷ داده، هم نسب پدری و هم مادری ایشان ذکر می‌شود.[۲] در روایات مرتبط با حضرت زهرا تا امام حسین ۱۱ داده نسب، در قالب واژه پرتکرار «پسر رسول‌الله» برای حسنین ذکر شده است.[۳]

در روایت‌های مرتبط با امام سجاد تا امام زمان، با تکرار فراوان «پسر رسول‌الله» میزان این داده تاریخی به ۲۸ مورد می‌رسد.[۴] برای نمونه؛ در روایتی، امام سجاد در مقابل یزید خود را این‌گونه معرفی می‌کند:

> انا ابن المکه والمنا. انا ابن المروه والصفا. انا ابن محمد المصطفي ... من پسر آن‌کسم که از سدره المنتهي بگذشت ... فکان قاب قوسین او ادني.

نمودار شماره ۷: فراوانی موضوعی مؤلفه تاریخی نسب درباره معصومین

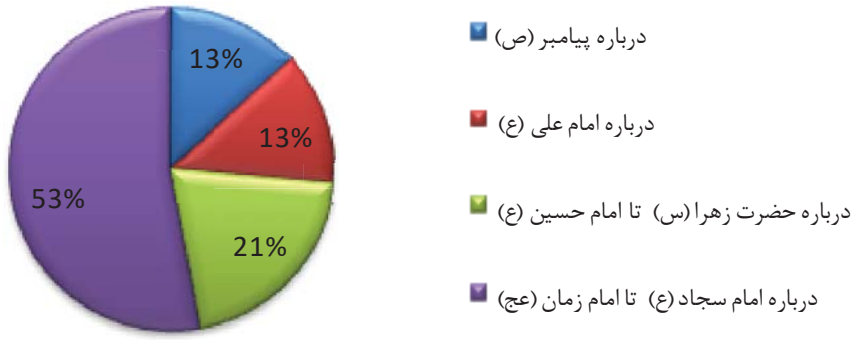

---

۱. همان، ج ۱، ص ۱۴۳، ۶۴، ۶۰، ۵۴، ۴۴، ۴۲، ۲۱.
۲. همان، ص ۵۹، ۹۵، ۳۰۸؛ ج ۲، ۴۷۸، ۵۰۸، ۵۶۶.
۳. همان، ج ۲، ص ۶۱۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۶۱، ۶۶۹.
۴. همان، ص ۶۷۶، ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۹ و ص ۷۲۳، ۷۳۲، ۷۷۰، ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۳۱.
۴. همان، ص ۶۸۳.

۲. شأن نزول تاریخی آیات قرآن کریم

نویسنده کتاب درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ۱۴ داده مرتبط با مؤلفه شأن نزول تاریخی آیات قرآن کریم را ارائه می‌دهد.[۱]

در روایت‌های مربوط به امام علی علیه‌السلام ۷ داده از این مؤلفه نقل شده است که از آن میان می‌توان آیات ۵۵ سوره مائده و ۲۰۷ بقره را که به انفاق امیرالمؤمنین علیه‌السلام درحال رکوع و لیله المبیت اشاره دارد، ذکر کرد.[۲] شأن نزول تاریخی سوره کوثر «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» و شأن نزول تاریخی آیه ۶۰ سوره اسراء، دو نمونه از ۸ مورد شاخصه ای است که راجع‌به شأن نزول تاریخی این آیات درباره حضرت زهرا علیهاالسلام تا امام حسین علیه‌السلام گزارش شده است.[۳] شأن نزول تاریخی آیه ۶۱ سوره آل‌عمران (مباهله) هم تنها آیه‌ای است که در روایت‌های مرتبط با امام سجاد علیه‌السلام تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به آن پرداخته شده است.[۴]

نمودار شماره ۸: فراوانی موضوعی مؤلفه تاریخی شان نزول تاریخی آیات قرآن درباره معصومین

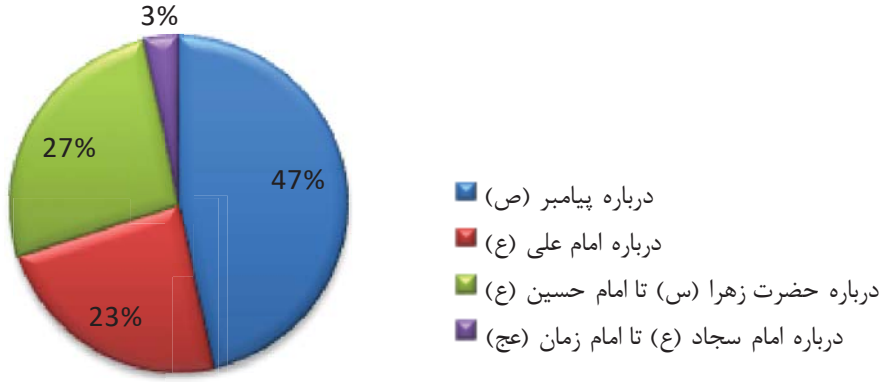

۳. حوادث زمانمند

توجه به برخی از حوادث تاریخی و نمایاندن زمان و مکان آن‌ها، در جای‌جای این کتاب به چشم می‌خورد. رازی حوادث تاریخی مهمی مثل حمله ابرهه به مکه و کندن چاه زمزم توسط عبدالمطلب را گزارش کرده است.[۵] او در اخبار مربوط به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، ۱۵۲ داده واقعه زمان‌دار را نقل کرده است[۱]

---

۱. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۱۵۹، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۸۴، ۲۰۹ ـ ۲۰۸؛ ج ۲، ص ۴۵۰.
۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۹ ـ ۱۸۸، ۱۹۰ ـ ۱۸۹، ۳۱۸؛ ج ۲، ص ۵۹۵ و ۵۹۶.
۳. همان، ص ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۳۹، ۶۴۵.
۴. همان، ص ۷۷۱.
۵. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۲۰و۴۵.

که از این تعداد، ۳۳ مورد آن حوادث تاریخی مهم زندگی پیامبرﷺ مثل غزوات رسول‌اللهﷺ با ۱۵ فراوانی و رویداد وفات پیامبرﷺ با ۱۲ فراوانی را انعکاس می‌دهد.[۲]

در این اثر، به‌کارگیری ۲۳۸ مورد شاخصه در رابطه با وقایع مهم تاریخی، در اخبار و روایات مرتبط با امام علی‌علیه‌السلام مهم به شمار آمده است. تاجایی‌که جنگ‌های مشهوری مثل جمل، صفین و خیبر و بعداز آن حوادثی همچون غدیر خم و وفات پیامبرﷺ بیش از وقایع دیگر تکرار شده است.[۳]

نقل حوادث تاریخی مهم مرتبط با حضرت زهراعلیهاالسلام، امام حسن‌علیه‌السلام و امام حسین‌علیه‌السلام همچون شهادت امام حسن‌علیه‌السلام و امام حسین‌علیه‌السلام از پرکاربردترین گزاره هایی است که از میان ۱۴۱ مورد شاخصه وقایع تاریخی به آن‌ها اشاره شده است.[۴]

واقعه حره، خروج زید بن علی در عراق و ادعای امامت محمد نفس زکیه و خروج او در مدینه ازجمله وقایع تاریخی هستند که مؤلف در روایت های مربوط به امام سجادعلیه‌السلام تا امام زمانعجل‌الله‌تعالی‌فرجه در قالب ۱۵۶ مورد حوادث تاریخی مهم زمان‌دار به آنان توجه می‌کند.[۵]

نمودار شماره ۹: فراوانی موضوعی مؤلفه تاریخی وقایع زمان‌دار درباره معصومین

---

۱. همان، ص ۷، ۱۲، ۲۰، ۲۶، ۳۲، ۵۸، ۶۵، ۷۳، ۱۰۸، ۱۲۰، ۱۷۱؛ ج ۲، ص ۴۳۱ _ ۴۳۰، ۴۵۰، ۴۵۶.

۲. همان، ص ۱۵۷ و ۳۶۳؛ و نیز ص ۶، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۶، ۲۰۸، ۲۴۲، ۲۲۱، ۳۰۲، ۳۳۷، ۳۸۴، ۴۰۰؛ ج ۲، ص ۴۵۰، ۴۶۰، ۵۰۶، ۵۵۴، ۵۹۶، ۶۰۴.

۳. همان، ص ۲۲، ۹۱، ۱۲۰، ۱۸۷، ۱۹۱، ۲۱۴، ۲۷۵، ۲۹۴، ۲۸۲، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۵۱، ۳۶۷؛ ج ۲، ص ۴۱۲، ۴۳۳ ۴۶۹، ۴۸۱، ۴۹۹، ۵۰۶، ۵۱۲، ۵۳۵، ۵۴۱، ۵۴۶.

۴. همان، ص ۳۱۵، ۳۲۸، ۳۶۱ _ ۳۶۰؛ ج ۲، ص ۴۴۶، ۴۵۵، ۵۱۵، ۶۱۴، ۶۴۳، ۶۵۶، ۶۶۱

۵. همان، ص ۳۶۰؛ ج ۲، ص ۴۱۲، ۴۳۶، ۶۷۵، ۶۷۸، ۶۸۲، ۶۹۷، ۷۰۰، ۷۴۷، ۷۵۹، ۷۶۸، ۷۷۵، ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۰۰، ۸۰۵، ۸۱۳، ۸۱۸، ۸۳۴

۴. فضائل و مناقب

تصریح مؤلف در ذکر فضایل انبیای الهی علیهم‌السلام، اوصیاء آنان و همسرانشان به‌واسطه نور و بزرگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل‌از خلقت او، تا آنجایی برجسته‌تر می‌شود که فهم و آگاهی ملائکه به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و فضل او را پیش‌از شناخت آدم علیه‌السلام معرفی می‌کند.[۱] سجده قریش به عبدالمطلب به‌واسطه نور محمد و خیروبرکت در زندگی حلیمه به‌واسطه وجود محمد در خانه او، تنها بخشی از فضائل و مناقب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است که مهم تلقی شده اند.[۲] رازی در روایت های مربوط به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، برای نشان دادن برتری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به ذکر فضایل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از زبان خود پیامبر، امام علی علیه‌السلام و صحابه پرداخته است و ۲۶۴ مورد شاهد فضائل را نقل می‌کند.[۳]

نمایاندن افضلیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام با ارائه ۳۷۸ داده متمایز از سایر ائمه علیهم‌السلام است و از قبل‌از ولادت ایشان با نشانه هایی که ابوالمویهب راهب از نام و مقام وصایت امام می‌دهد، آغاز می‌شود.[۴] ابراز این برتری ها از زبان نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله و شخص امام علی علیه‌السلام، صحابه، موافقان و مخالفان ایشان و ذکر شأن نزول آیات قرآن به اشکال مختلف که یکی از آن‌ها «سبقت در اسلام» است، نمود پیدا می‌کند.[۵]

رازی ۸۵ مورد از فضائل و مناقب حضرت زهرا علیهاالسلام، امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام را در قالب یک مؤلفه تاریخی پوشش می‌دهد.[۶] در روایت های مربوط به امام سجاد علیه‌السلام تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه ۱۸۵ داده فضائل وجود دارد که اکثر این فضائل در احتجاجات امامان جای داده شده است؛[۷] مثلاً در روایتی امام کاظم علیه‌السلام در احتجاج با هارون می‌گوید: «ما فخر می‌آوریم به قول جبرئیل علیه‌السلام که گفت: "من از شما هستم"».[۸]

---

۱. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۶.

۲. همان، ص ۱۴، ۱۷، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۴۵، ۵۳، ۵۹، ۶۱، ۶۶، ۷۰، ۷۳، ۷۷، ۸۵، ۸۶، ۹۷، ۱۱ ـ ۶؛ ج ۲، ۴۳۳، ۴۵۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۶، ۱۱، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۳۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۵۵، ۲۵۷، ۳۱۸؛ ج ۲، ۴۱۱، ۴۲۲، ۴۳۳، ۴۶۵، ۴۷۷، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۵۸، ۵۷۱، ۶۲۵، ۶۵۵، ۷۷۱، ۷۹۲، ۷۹۳.

۴. همان، ص ۷۲، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۴، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۷، ۲۰، ۲۰۵، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۵۷، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۸۱، ۲۹۸، ۳۱۸؛ ج ۲، ص ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۷۳، ۴۹۹، ۵۰۹، ۵۱۳، ۵۲۶، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۵۹، ۵۸۰، ۶۰۴، ۶۵۷.

۵. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۲۳۷، ۱۹۱، ۱۵۳، ۳۵۱.

۳. همان، ص ۱۹۸، ۲۴۰، ۳۲۸، ۳۳۷؛ ج ۲، ص ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۶۰، ۵۵۴، ۶۰۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۹، ۶۴۳، ۶۴۶، ۶۵۵، ۶۶۹.

۷. همان، ج ۲، ص ۴۱۰، ۴۲۰، ۴۲۶، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۳، ۵۹۰، ۶۸۱، ۶۸۳، ۷۰۵، ۷۱۱، ۷۱۷، ۷۳۲، ۷۶۴، ۷۷۶، ۷۸۱، ۷۹۹، ۸۱۰، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۲۸، ۸۳۶.

۸. همان، ص ۷۷۱.

نمودار شماره ۱۰: فراوانی موضوعی مؤلفه تاریخی فضائل درباره معصومین

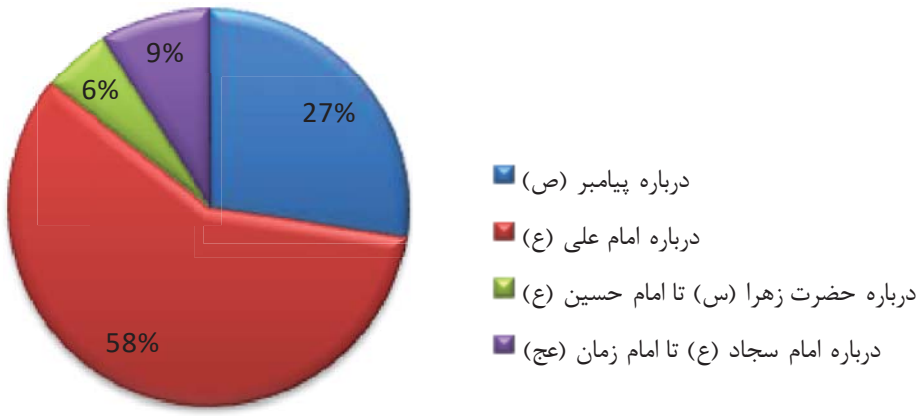

۵. مثالب

رازی مثالب دشمنان پیامبرﷺ را در قالب تعابیر «کافر و بی‌دین»، «لعنت الله»، «لعن و لعنت» و «مجوس امت» در قالب ۲۳ داده مطرح می‌کند.[۱]

در روایت های مرتبط با امام علی‌علیه‌السلام ۱۵ مورد مثالب با واژه پرتکرار «لعنت» استفاده شده است.[۲] دسته‌ای از این روایات، از یک‌سو دشمنان امام را ضال و گمراه و دور از رحمت خداوند می‌پندارد. از سوی دیگر شیعیان امام و اهل‌بیتﷺ را رستگار و نجات‌یافته نشان می‌دهد.[۳]

درباره حضرت زهراعلیهاالسلام تا امام حسین‌علیه‌السلام مؤلفه مثالب در ۵۶ داده تاریخی گزارش شده است که عمده این مثالب در احتجاج حسنین‌علیهماالسلام با افراد مشهور زمان خود همچون معاویه و اصحابش با تکرار رایج تعابیر «لعنت» و «ملعون» انجام یافته است.[۴] در روایات مربوط به امام سجادعلیه‌السلام تا امام زمان‌عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، رازی ۸ مورد داده واژه‌های «لعنت»، «ملعون» و «ملعونان» را در ارتباط با اعمال و رفتار دشمنان این ائمه‌علیهم‌السلام نقل می‌کند.[۵]

---

۱. همان، ص ۱۹، ۲۲، ۶۵، ۹۱، ۱۰۸، ۳۷۵، ۳۷۶؛ ج ۲، ص ۴۴۰، ۴۴۳، ۴۴۶.
۲. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۱، ص ۳۶، ۹۰، ۳۰۰، ۳۶۲؛ ج ۲، ص ۴۷۳، ۴۹۷، ۵۱۷، ۵۵۷.
۳. همان، ص ۴۳۷ ـ ۴۷۲.
۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۴، ۳۳۵؛ ج ۲، ص ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۵، ۶۵۲، ۶۵۹، ۶۶۹ ـ ۶۶۲.
۵. همان، ص ۶۸۲، ۶۸۴، ۷۳۲، ۸۰۸، ۸۳۱.

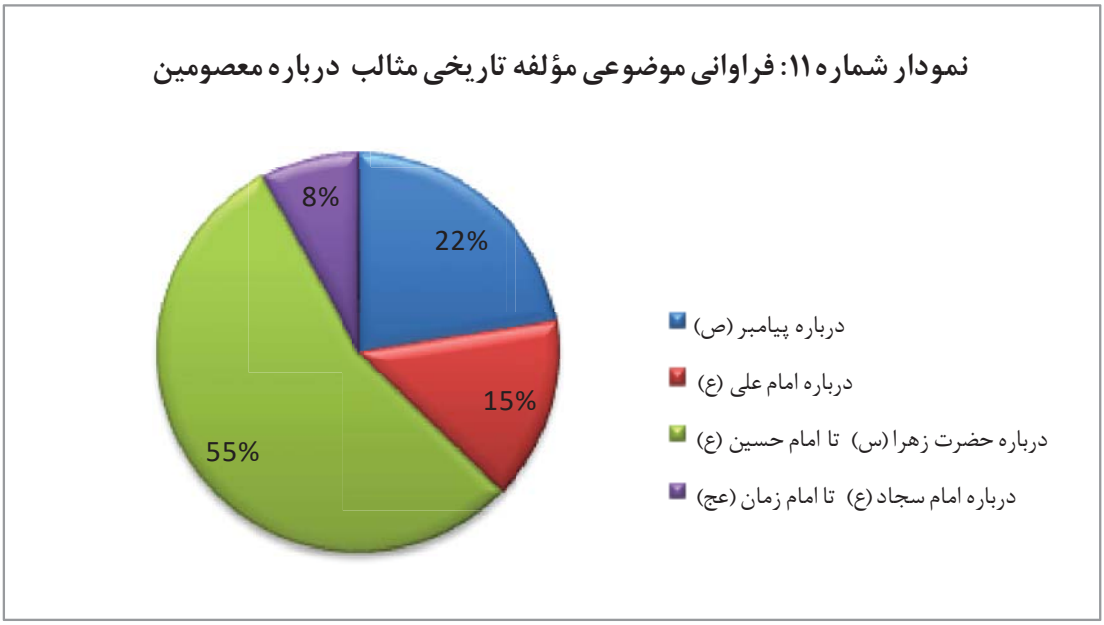

مقایسه فراوانی مؤلفه‌های کلامی و تاریخی متن *نزهه الکرام*

برای مقایسه فراوانی این دو حوزه دانش، لازم است نمای کلی شاخصه‌های کلامی و تاریخی کتاب ***نزهه الکرام*** به تفکیک ارائه شود. لذا ابتدا نسبت فراوانیِ مؤلفه ها درباره ائمه معصومین علیهم‌السلام تحلیل می شود. سپس، در کل کتاب مورد سنجش قرار می‌گیرد.

چنانچه فراونی به‌دست‌آمده شاخصه‌های دو علم را با یکدیگر مقایسه کنیم، نمودار زیر (شماره ۱۲) از آن استخراج می‌شود. نمودار استفاده هم‌زمان مؤلف را از شاخصه‌های دو علم در روایت حیات معصومین علیهم‌السلام نشان می‌دهد.

وی این آمیختگی را با هدف اثبات برتری آن‌ها در همه زمینه‌ها به‌ویژه درزمینه حق کسب مقام خلافت انجام داده است. همچنین، به‌روشنی نشان می‌دهد در نیمه سده ششم ق، تاچه‌اندازه بهره‌گیری از تاریخ در اثبات کلام در اندیشه شیعیان امامی همچنان مهم بوده است.

نمودار شماره۱۲: سنجش فراوانی مؤلفه‌های کلامی و تاریخی در نزهه الکرام

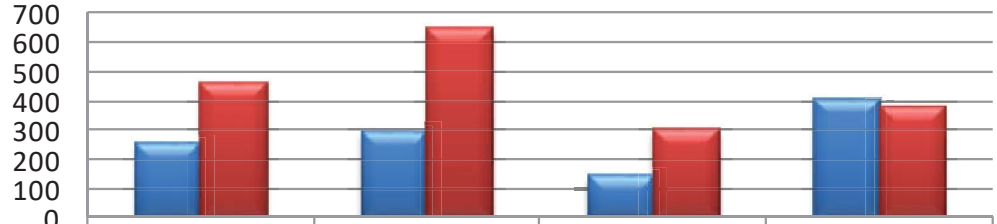

	درباره پیامبر (ص)	درباره امام علی (ع)	درباره حضرت زهرا (س) تا امام حسین (ع)	درباره امام سجاد (ع) تا امام زمان (عج)
کلام	254	294	143	407
تاریخ	460	645	300	378

با توجه به محور عمودی که نشان‌دهنده فراوانی روایات در هر حوزه است، جمع‌بندی سنجش فراوانی مؤلفه‌های کلامی نشان می‌دهد که بیشترین استفاده از مؤلفه‌ها درباره امام سجاد تا آخرین معصوم‌ﷺ و کمترین آن درباره حضرت زهراﷺ و حسنینﷺ است. تقریباً برابری نسبی در داده‌های کلامی در روایت‌های مربوط به امام سجادﷺ به بعد وجود دارد (نمودار ۱۲). در زمینه شاخصه‌های تاریخی، رازی بیشترین فراوانی را به ترتیب در روایت شرح‌حال حضرت علیﷺ، نبی مکرمﷺ، درباره امام سجاد تا آخرین معصومﷺ و سپس درباره حضرت زهراﷺ و حسنینﷺ به کار بسته است (نمودار شماره ۱۲).

برای سنجش نسبت و نحوه آمیختگیِ مؤلفه های کلامی و تاریخی در کل کتاب، توجه به جدول زیر (۱) ضرورت دارد.

جدول شماره(۱): فراوانی مؤلفه‌های کلامی و تاریخی در متن نزهه الکرام

ردیف	فراوانی مؤلفه‌های کلامی	تعداد	ردیف	فراوانی مؤلفه‌های تاریخی	تعداد
۱	احتجاج	۴۶۹	۱	فضائل	۹۱۲
۲	معجزه	۳۶۶	۲	حادثه زمان‌مند	۵۸۷
۳	علم غیب	۲۰۸		--	---
۴	نص	۳۲	۳	مثالب	۱۰۲
۵	عصمت	۲۲	۴	نسب	۵۳
			۵	شأن نزول تاریخی آیات قرآن	۳۰

مطابق جدول (۱)، به ترتیب، شاخصه‌های تاریخیِ فضائل، حادثه زمانمند و سه شاخصه کلامیِ احتجاج، معجزه و علم غیب در متن کتاب غلبه دارند. البته شاخص علم غیب فاصله زیادی با چهار مؤلفهٔ مذکور و مؤلفه‌های دیگر دارد. پس روشن می‌شود که این شاخصه‌ها مهم‌ترین مفاهیم نزد رازی بوده که کوشیده است باورپذیری آن‌ها را در ذهن مخاطبانش تثبیت کند. پس‌از آن، مؤلفه مثالب با ۱۰۰ مورد داده، وضعیت متوسطی را در بالاترین و پایین‌ترین رتبه داراست. این مؤلفه به تثبیت مؤلفه فضیلت یاری می‌رساند چراکه حاشیه‌رانی دیگری، به اثبات خودی می‌انجامد.

شاخصه‌های نص، عصمت، نسب و شأن نزول تاریخی آیات قرآن بین ۲۲ تا ۵۳ فراوانی را به خود اختصاص داده اند که در مقایسه با پنج مؤلفه غالب متن، اهمیت ناچیزی در روایت ویژه رازی از حیات معصومین علیهم‌السلام داشته است. به احتمال بسیار زیاد، در زمانه رازی، شاخصه های نسب، نص و عصمت، باورهای رسوب‌یافته‌ای شده بودند که نیازی به تکرار فراوان و تثبیت آن‌ها وجود نداشته است. استناد کم به شأن نزول تاریخی آیات قرآن، را باید در بهره گیری فراوان مؤلف نزهه از پیوند آیات قرآن با معصومین علیهم‌السلام به ویژه امام علی علیه‌السلام در ذیل شاخصه فضیلت نگریست. ظاهرا او نیازی به یافتن و ثبت حادثه تاریخی مربوط به شأن نزول آیات احساس نمی کرد. به سبب محدودیت حجم مقاله و اهمیت کم این شاخصه‌ها در نگرش رازی، از نسبت سنجی میان آن‌ها با سایر شاخصه‌های کلامیِ مهم صرف‌نظر می‌شود و این نسبت در شاخصه‌های معجزه و احتجاج تحلیل می‌شود.

چنانچه به نحوه تقسیم‌بندی فصول این کتاب نظری افکنده شود (شصت باب)، درست است که چینش آن براساس ترتیب حیات معصومین علیهم‌السلام است اما باب‌بندی اصلی بر احتجاج (۱۸ باب) و معجزه (۱۷ باب) یعنی دو شاخص کلامی استوارشده است. اگر این نحوه تقسیم بندی را در کنار علت نگارش نزهه (در تشریح کتاب کلامیِ تبصره) و نیز، تقدم هدف کلامی برای تألیف ***نزهه*** اضافه کنیم، به نظر می رسد رازی تثبیت عقیده معجزه و احتجاج را به جد در متن دنبال می کند. بیشترین فراوانیِ شاخصه احتجاج درباره امام علی علیه‌السلام (۱۸۷ مورد) و سپس به امام سجاد علیه‌السلام تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه (۱۸۲ داده) و بیشترین آمارِ شاخصه معجزه به روایت‌های مربوط به امام سجاد علیه‌السلام تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه (۱۳۷داده) و پس‌از آن درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۱۱۴ داده) اختصاص دارد. با این حجم فراوانِ داده، لازم است نسبت این دو مؤلفه با سایر شاخصه‌های کلامی و تاریخی استخراج شود (ن. ک: جدول شماره (۲)).

جدول شماره (۲): نسبت مؤلفه‌های احتجاج و معجزه با سایر شاخصه‌های کلامی و تاریخی در کتاب نزهه الکرام						
درباره پیامبر اکرم (ص)						
احتجاج ۲۹ مورد	کلامی:	پیوند با عصمت (۷)	پیوند با نص (۱)	پیوند با علم غیب (۴)	پیوند با معجزه (۱۰)	
	تاریخی:	پیوند با نسب (۱)	پیوند با شأن نزول تاریخی آیات قرآن (۸)	پیوند با متالب (۰)	پیوند با فضیلت (۲۷)	پیوند با حادثه زمانمند (۱۶)
معجزه ۱۱۴ مورد	کلامی:	پیوند با عصمت (۰)	پیوند با نص (۷ مورد)	پیوند با علم غیب (۵)	پیوند با احتجاج (۵)	
	تاریخی:	پیوند با نسب (۰)	پیوند با شأن نزول تاریخی... (۱)	پیوند با متالب (۰)	پیوند با فضیلت (۱۱۴)	پیوند با حادثه زمانمند (۳۱)
درباره امام علی(ع)						
احتجاج ۱۸۷ مورد	کلامی:	پیوند با عصمت (۳)	پیوند با نص (۱)	پیوند با علم غیب (۵)	پیوند با معجزه (۱)	
	تاریخی:	پیوند با نسب (۱)	پیوند با شأن نزول تاریخی... (۲)	پیوند با متالب (۲)	پیوند با فضیلت (۹۱)	پیوند با حادثه زمانمند (۶۵)
معجزه ۶۰ مورد	کلامی:	پیوند با عصمت (۱)	پیوند با نص (۲)	پیوند با علم غیب (۱۰)	پیوند با احتجاج (۰)	
	تاریخی:	پیوند با نسب (۲)	پیوند با شأن نزول تاریخی... (۰)	پیوند با متالب (۵)	پیوند با فضیلت (۶۰)	پیوند با حادثه زمانمند (۴۲)

ادامه جدول شماره (۲): نسبت مؤلفه‌های احتجاج و معجزه با سایر شاخصه‌های کلامی و تاریخی در کتاب نزهه الکرام						
درباره حضرت زهرا(س) و حسنین(ع)						
احتجاج ۷۱ مورد	کلامی:	پیوند با عصمت (۰)	پیوند با نص (۰)	پیوند با علم غیب (۲)	پیوند با معجزه (۰)	
	تاریخی:	پیوند با نسب (۵)	پیوند با شأن نزول تاریخی... (۶)	پیوند با متالب (۴۳)	پیوند با فضیلت (۶)	پیوند با حادثه زمانمند (۲۹)
معجزه ۵۵ مورد	کلامی:	پیوند با عصمت (۳)	پیوند با نص (۰)	پیوند با علم غیب (۵)	پیوند با احتجاج (۰)	
	تاریخی:	پیوند با نسب (۶)	پیوند با شأن نزول تاریخی... (۲)	پیوند با متالب (۲)	پیوند با فضیلت (۵۵)	پیوند با حادثه زمانمند (۲۲)
درباره امام سجاد(ع) تا امام زمان(عج)						
احتجاج ۱۸۲ مورد	کلامی:	پیوند با عصمت (۱)	پیوند با نص (۰)	پیوند با علم غیب (۲)	پیوند با معجزه (۱)	
	تاریخی:	پیوند با نسب (۹)	پیوند با شأن نزول تاریخی... (۱)	پیوند با متالب (۳)	پیوند با فضیلت (۱۲)	پیوند با حادثه زمانمند (۳۶)
معجزه ۱۳۷ مورد	کلامی:	پیوند با عصمت(۱)	پیوند با نص (۳)	پیوند با علم غیب (۱۰۰)	پیوند با احتجاج (۰)	
	تاریخی:	پیوند با نسب (۱۴)	پیوند با شأن نزول تاریخی... (۰)	پیوند با متالب (۳)	پیوند با فضیلت (۱۳۷)	پیوند با حادثه زمانمند (۸۲)

همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد در ارتباط با شاخصه‌های کلامی، معجزه تقریباً برای تمام معصومین علیهم‌السلام، بیش از همه علم غیب را پوشش می‌دهد. سپس به ترتیب، با نص، عصمت و اندکی با احتجاج پیوند خورده است. این در مورد احتجاج هم صدق می کند. این مؤلفه بیش از همه به ترتیب، علم غیب، سپس عصمت، نص و اندکی معجزه را پوشش می‌دهد. پس درمجموع، رازی در حیات تمامی ائمه معصومین علیهم‌السلام، بیش از همه، میان مؤلفه علم غیب با معجزه و احتجاج پیوند برقرار می‌کند.

از سوی دیگر، مؤلفه‌های احتجاج و معجزه با شاخصه‌های تاریخی بیش از کلامی پیوند خورده‌اند تا باورپذیری آن‌ها آسان‌تر شود. جدول (۲) نشان می‌دهد که احتجاج و معجزه بیشتر با شاخصه‌های تاریخیِ فضیلت و حادثه زمانمند مرتبط شده‌اند. رازی توانمندانه معجزات و احتجاجات را در لایه‌های عموماً سنجیده‌ای از زندگی معصومان علیهم‌السلام گنجانده است. این شیوه، در سیره‌های نخستین و تراجم نظیر ***سیره*** ابن‌هشام یا ***الارشاد*** شیخ مفید هم دیده می شود،[۱] با این تفاوت که این شاخصه ها در متن رازیِ سده هفتم همچون اثر ***الشفاء به تعریف حقوق المصطفی*** نوشته قاضی عیاض اندلسی (م. ۵۴۴) به‌شدّت افزایش یافته است.

به نظر می‌رسد فضیلت عنصری بنیادی در ذهن رازی است؛ چراکه بیشترین فراوانیِ شاخصه‌های کتاب به آن اختصاص یافته است. برخی عبارات و عناوین کتاب همانند «در ظهور معجزات وی علیه‌السلام از خبر دادن غایبات»،[۲] «در ظاهرشدن معجزه وی از خبردادن اندیشه‌های ضمایر»،[۳] «در بعضی از فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اکثر این فضایل همه معجزه است»[۴] و «بدان که هر معجزه فضیلتی بود، اما نه هر مناقبی معجزه باشد»،[۵] سند این ادعاست.

دقت در جملات فوق، برای فهم بیشتر نسبت رهگشا است. این جملات در کنار فراوان سنجی نشان می‌دهد که رازی مؤلفه کلامیِ علم غیب را با معجزه و معجزه را با فضیلت، همچون تاروپود یک پارچه درهم‌آمیخته است. درعین‌حال، اهمیت بیشتر فضیلت را در نگرش او بازتاب می‌دهد. یادآوری دوباره این نکته خالی از فایده نیست که در گذشته، مفهوم فضیلت نقش کلیدی و محوری نزد نویسندگان پیشامدرن (همچون مورخ، محدث و متکلم) و مخاطبانشان داشت و به اثبات شخص، تثبیت جریان فکری و سیاسی او منجر می‌شد. رازی هم متأثر از این فضا، شاخصه فضیلت را با تمام مؤلفه‌های محوریِ کلامی

---

۱. رابینسون، ***تاریخ‌نگاری اسلامی***، ص ۱۲۹ ـ ۱۲۸.
۲. رازی، ***نزهه الکرام***، ج ۲، ص ۶۱۷، ۶۷۶، ۶۹۵.
۳. همان، ص ۷۲۲.
۴. همان، ص ۵۱۶.
۵. همان.

و تاریخی اثرش پیوند داد و همه آن‌ها را در حوادث زندگی پیشوایان دینی خود گنجاند.

هرچند، شاخصه فضیلت در کتاب ***نزهه*** بیشتر همراه با مؤلفه های کلامی ذکر شد، این شاخصه (۹۱۲ یافته) بیش از همه با معجزه (۳۶۶ مورد) و احتجاج (۴۶۹ مورد) پیوند داده شده است. یک‌سوم باقی‌مانده این مؤلفه با سایر شاخصه‌های تاریخی و کلامی مرتبط شده است. به‌عبارت‌دیگر فضیلت در این متن، شاخصه‌ای شد که به‌نوعی هم‌زمان شأن قدسی و زمینی امام‌علیه‌السلام را پوشش داده و آن را فراتر از سایر رقبا در زمینه ولی و خلیفه قرار می‌داد.

نتیجه

رازی در کتاب ***نزهه الکرام*** مسائل کلامی را در لابه‌لای داده‌های تاریخیِ حیات و زندگانی معصومان‌علیهم‌السلام جای داد تا فهم و باورپذیری آن‌ها، که خواسته مخاطبان کتاب بود، آسان‌تر شود. نسبت کلام و تاریخ در این اثر، نسبت تعاون و تکمیلی بوده است. موضوع و غایتی که در هر دو دانش دنبال شده، امام شیعی و شناساندن ویژگی‌های زمینی و فرازمینی ایشان بوده است. این معرفی در کتاب ***نزهه*** با بهره‌گیری از روش نقلی انجام‌شده که نشان می دهد علمای شیعی در اواخر سده ششم و نیمه سده هفتم، در مقیاس وسیعی از روایات تاریخی در اثبات عقاید کلامی بهره می‌گرفتند. ابعاد و میزان ارتباط که از طریق استخراج و فراوان‌سنجی شاخصه‌های کلامی و تاریخی مورد بررسی قرار گرفت، نشان می‌دهد این شاخصه‌ها، در اندیشه رازی از اهمیت یکسانی برخوردار نبودند. مؤلفه‌های تاریخیِ فضائل، حادثه زمانمند و سه شاخصه کلامیِ احتجاج، معجزه و علم غیب، شاخصه های غالب متن هستند. در مقابل، رازی کمترین توجه را به ثبت داده‌های مربوط به مؤلفه های کلامیِ نص و عصمت و شاخصه‌های تاریخیِ مثالب، نسب و شأن نزول تاریخی آیات قرآن داشت.

در زمینه کلام، اهم کوشش مؤلف صرف ذکر مؤلفه‌های احتجاج و معجزه شد. به نظر می‌رسد این تکرار زیاد متأثر از کوشش نویسنده برای طرد گروه‌های مختلف کلامی وقت، به‌ویژه اهل سنت و تصوف باشد که نیازمند پژوهش دقیق‌تر دیگری است.

دو مؤلفه احتجاج و معجزه با شاخصه کلامیِ علم غیب بیش از سایر مؤلفه های کلامی پیوند خورده‌اند. چنانچه دقت شود، معجزه مؤلفه‌ای است که بیشتر امری خارق‌العاده و ماوراء را در ذهن یادآور می‌شود و احتجاج بر پایه علم دین شاخصه‌ای است که امری زمینی‌تری را به ذهن متبادر می‌کند، چراکه حاصل گفت‌وگویی میان انسان‌ها در باب موضوعاتی است که مردم عادی و علما هم می‌توانند در مورد آن به مناظره بنشینند. پس به نظر می‌رسد رازی قصد دارد با پیوند برقرار کردن میان این دو مؤلفه

کلامیِ ناظر به توانایی زمینی و آسمانی با علم غیب، آن را کاملاً با ماوراء مرتبط کند که در حیطه توان هیچ انسان غیرمعصومی نگنجد.

دو مؤلفه احتجاج و معجزه با شاخصه‌های تاریخیِ فضیلت و حادثه زمانمند بیشتر از مؤلفه‌های کلامی پیوند داده شدند. فضیلت شاخصه غالب متنِ ***نزهه*** است. این امر بیشتر، نتیجه پیوندی است که رازی بین این شاخصه با سایر مؤلفه‌های کلامی برقرار کرد. به‌ویژه آنکه او تمام معجزات را در دایره مؤلفه فضیلت نیز، جای داد. فضیلت در این متن، شاخصه‌ای شد که به‌نوعی هم‌زمان شأن قدسی و زمینی امام علیه‌السلام را پوشش و آن را فراتر از سایر رقبا در زمینه ولی و خلیفه قرار می‌داد. به نظر می‌رسد رازی با هدف مقابله با گروه‌های رقیب صوفیه و اهل سنت معاصرش که مناقب و فضایل زمینی و ماورایی را برای پیشوایان خویش برمی‌شمردند، فضیلت را شاخصه غالب اثرش کرد؛ اما با پیوند بیشتر فضیلت با مدلول‌های کلامی و تأکید بر برخی مبانی همانند این سخن که «بدان که هر معجزه فضیلتی بود، اما نه هر مناقبی معجزه باشد»، به رقبای خود یادآور شد که فضیلت و معجزه ویژه امام شیعی در کثرت، تنوع و پیوند با امری قدسی با موارد مشابه و به‌ویژه مناقب شیوخ متصوفه و اهل سنت، قابل‌مقایسه نیست. بدین‌ترتیب، او در این نسبت‌ها، مقام زمینی و آسمانی امام را از سایر پیشوایان در جایگاه بسی فراتر می‌نشاند و هدف تألیف کتاب را تأمین می‌کند.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، عبدالجواد (۱۳۷٦). ***درآمدی بر آموزش عقاید استاد محمدتقی مصباح یزدی***. قم: دار العلم.

۲. ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین عبدالحمید بن هبةالله (۱۳۸۵). ***شرح نهج‌البلاغه***. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. الطبعه الثانیه. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۳. ابن‌خلکان، ابی‌العباس احمد بن محمد (۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م). ***وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان***. احسان عباس. بیروت: دار صادر.

٤. ابن‌سعد، محمد (۱۳۷٤). ***طبقات الکبری***، ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: فرهنگ و اندیشه.

۵. ابن‌طاووس، رضی الدین علی (۱۳٦۸ ق). ***فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم***. قم: دار الذخائر.

٦. ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد (۱٤۰۸ ق). ***لسان العرب***. ج۷. بیروت: دار الإحیاء التراث العربی.

۷. ابن‌هشام، عبدالملک (۱٤۱۰). ***السیرة النبویة (سیرة ابن‌هشام)***. عمر عبدالسلام تدمری مصر: دار الکتاب العربی.

۸. افشار، ایرج (۱۳۳۸). کتابی از مؤلف تبصره العوام. ***مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران***. ۲ (۲). ٥٤ ـ ٤۳.

۹. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱٤۰۳ ق). ***الذریعه الی تصانیف الشیعه***. بیروت: دار الاضواء.

۱۰. آئینه وند، صادق (۱۳۸۷). ***علم تاریخ در گسترة تمدن اسلامی***. مجلد اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۱. باردن، لورنس (۱۳۷٤). ***تحلیل محتوا***. محمد یمنی دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۲. بهرامیان، علی (۱۳۸۵). مدخل «تبصره العوام». ***دائرةالمعارف بزرگ اسلامی***. زیر نظر موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلام.

۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۹۰۵). ***طوالع الانوار***. قاهره: المطبعه الخیریه.

۱٤. تفتازانی، سعدالدین (۱۳۷۰ ش). ***شرح المقاصد***. تحقیق عبدالرحمن عمیره. قم: الشریف الرضی.

۱۵. جرجانی، میر سید شریف (۱۳۲۵ ق). ***شرح المواقف***. بدرالدین نعسانی. قم: الشریف الرضی.

۱٦. جعفریان، رسول (۱۳۸۷). ***منابع تاریخ اسلام***. قم: انصاریان.

۱۷. حاج سید جوادی، احمدصدر و دیگران (۱۳٦٦). مدخل «آبه». ***دایرةالمعارف تشیع***. تهران: بنیاد اسلامی طاهر.

۱۸. حضرتی، حسن و دیگران (۱٤۰۱). ***مورخان و امر قدسی***. تهران: لوگوس.

۱۹. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱٤۰۷ ق / ۱۹۸۷ م). ***تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام***. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دار الکتاب العربی.

۲۰. رابینسون، چیس اف (۱۳۸۹). ***تاریخ‌نگاری اسلامی***. مصطفی سبحانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

۲۱. رازی، محمد بن حسین (۱۳۱۳). ***تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام***. تصحیح عباس اقبال. تهران: مطبعه مجلس.

۲۲. رازی، محمد بن حسین (۱۳٦۱ ش). ***نزهه الکرام و بستان العوام***. تصحیح محمد شیروانی. تهران: باقر ترقی.

۲۳. رازی، محمد بن حسین (۱۳٦۲ ش). ***نزهه الکرام و بستان العوام***، تصحیح محمد شیروانی. تهران: باقر ترقی.

۲٤. رازی، محمد بن حسین (۱۳٦٤). ***تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام***. تصحیح عباس اقبال. تهران: اساطیر.

۲۵. ربانی گلپایگانی. علی (۱۳۷۲). رابطه کلام با علوم دیگر. ***کیهان اندیشه***. ۱۲ (٤). ۱۱۵ ـ ۱۰٦.

۲٦. ربانی گلپایگانی. علی (۱۳۸۵). شاخص‌های امامت در تفکر شیعی. ***افق حوزه***. ۲۵ (۱). ۳۱۵ ـ ۳۰۸.

۲۷. ربانی گلپایگانی. علی (۱۳۸٦). ***امامت در بینش اسلامی***. قم: بوستان کتاب.
۲۸. ربانی گلپایگانی. علی (۱۳۸۷). ***کلام تطبیقی (نبوت، امامت و معاد)***. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۲۹. روزنتال، فرانتس (۱۳٦٥). ***تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام***. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان‌قدس‌رضوی.
۳۰. سبحانی، محمدتقی (۱٤۰۲). «سخنرانی نشست هفدهم؛ رابطه علم کلام و علم تاریخ (تأثیر کلام بر سیره پژوهی)». سخنرانی در تاریخ ۱۲ دی ۱۳۹۱. قابل دسترسی در سایت صفری https://www.nsafari.ir؛ آخرین به‌روزرسانی اسفند.
۳۱. سبحانی، محمدتقی و مجید کافی (۱٤۰۲). گفت‌وگو در بیست‌وهشتمین نشست سیره پژوهی؛ مناظره علم تاریخ و کلام. سخنرانی در تاریخ ۱۲ آذز ۱۳۹۲. قابل دسترسی در سایت معصومیه http://masoumiyeh.ir. آخرین به‌روزرسانی اسفند.
۳۲. سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۸۲). ***تاریخ‌نگاری در اسلام***. تهران: سمت.
۳۳. سلیمانی امیری، جواد (۱۳۹۸). نقد نظریه عدم جواز تأثیر باورهای کلامی بر تاریخ‌پژوهی. ***تاریخ اسلامی در آیینه پژوهش***. ۱۱ (٤). ۸۲ ـ ٦۱.
۳٤. سلیمانی امیری، جواد (۱۳۹۹). منطق تأثیرگذاری باورهای کلامی بر تاریخ‌پژوهی. ***دوفصلنامه معرفت کلامی***. ۱۱ (٤). ۱۷٦ ـ ۱٥۷.
۳٥. شوشتری، قاضی نورالله بن شریف‌الدین (۱۳۷۷). ***مجالس المؤمنین***. سید احمد عبدمنافی. تهران: اسلامیه.
۳٦. شیرزاد، امیر (۱۳۹٥). ***کلام اسلامی؛ نبوت و امامت (براساس کتاب تجرید الاعتقاد) با مباحث جدید***. قم: بوستان کتاب.
۳۷. صفی‌پور، عبدالرحیم (۱۳۷۷ ق). ***منتهی الإرب***. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۳۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۹ ق). ***المیزان فی تفسیر القرآن***. تهران: دار الکتاب الاسلامیه.
۳۹. طبرسی، احمد بن علی (۱٤۰۳). ***الإحتجاج علی أهل اللجاج***. محمدباقر خرسان. مشهد: مرتضی.
٤۰. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن الحسن (۱۳٦۲ ش). ***تمهید الاصول فی علم الکلام***. تصحیح عبدالمحسن مشکوه الدینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
٤۱. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن الحسن (۱۳۸۲ ش). ***تلخیص الشافی***. قم: انتشارات المحبین.
٤۲. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن الحسن (۱٤۰٦ ق). ***الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد***. بیروت: دار الاضواء.
٤۳. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن الحسن (بی‌تا). ***فهرست***. نجف: انتشارات مکتبه المرتضویه.
٤٤. عاملی، سید شرف‌الدین (۱۳۸۰). ***مناظرات شیعه و سنی (ترجمه المراجعات)***. تهران: نشر سایه.

٤٥. عمادی حائری، سید محمد (١٣٨٦). مدخل «تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام». ***دانشنامة زبان و ادب فارسی***. ج ۲. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

٤٦. قاضی نعمان، ابن‌حیون بن محمد (١٤٠٩ ق). ***شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار***. تحقیق محمد حسینی جلالی. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.

٤٧. کاشفی، محمدرضا (١٣٨٦). ***کلام شیعه، ماهیت، مختصات و منابع***. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

٤٨. کنتوری، اعجاز حسین بن محمدقلی (١٤٠٩ ق). ***کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار***. قم: مکتبة آیةالله المرعشی النجفی.

٤٩. کیوی، ریمون و کامپنهود، ریمون کیوی (١٣٧٣). ***روش تحقیق در علوم اجتماعی***. عبدالحسین نیک گهر. تهران: فرهنگ معاصر.

٥٠. گرامی، سید محمدهادی و محمد قندهاری (١٣٩٢). واکاوی رابطه کلام و تاریخ فکر در مطالعات شیعه‌شناسی. ***مطالعات تاریخ اسلام***. ٥ (٢). ١٧١ ـ ١٣٩.

٥١. محقق، فاطمه (١٣٩١). ***عصمت از دیدگاه شیعه و اهل تسنن***. قم: آشیانه مهر.

٥٢. مفید، محمد بن محمد (١٣٩٢). ***اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات یا اوج آراء کلامی شیخ مفید***. ترجمه و تحقیق طاهره عظیم‌زاده طهرانی و صدیقه اشرف. مشهد: انتشارات سخن گستر و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.

٥٣. مفید، محمدبن‌محمد (١٣٩٦ ق). ***الفصول المختاره من العیون و المحاسن***. قم: منشورات مکتبه الداوری.

٥٤. مفید، محمد بن محمد (١٤١٣ ق). ***الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***. مصحح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام. قم: کنگره شیخ مفید.

٥٥. مکدرموت (١٣٧٢). ***اندیشه‌های کلامی شیخ مفید***. تهران: دانشگاه تهران.

٥٦. ناجی، محمدرضا و دیگران (١٣٨٩). ***تاریخ و تاریخ‌نگاری***. تهران: نشر کتاب مرجع.

٥٧. نادم، محمدحسن (١٣٩٥). ***علم غیب از نگاه عقل و وحی***. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

٥٨. نجاشی، احمد بن علی (١٤٠٧ ق). ***رجال***. قم: جامعه مدرسین.

٥٩. نقیبی، سید ابوالقاسم (١٣٨٧). نسبت رابطه علم کلام با دانش اصول فقه. ***اندیشه دینی. اندیشه دینی***. ٨ (٤). ٩٠ ـ ٧٩.

٦٠. ولوی، محمدعلی (١٣٦٧). ***تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی***. بی‌جا: بعثت.